



فصلنامه علمی زبان پژوهی دانشگاه الزهراء (س)

سال شانزدهم، شماره ۵۱، تابستان ۱۴۰۳

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۷۵-۴۱

## بررسی زباهنگ دل نگرانی برای دیگری در ایرانیان: از هیچ دلی تا فرادلی<sup>۱</sup> رضا پیش قدم<sup>۲</sup>، شیما ابراهیمی<sup>۳\*</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۷

### چکیده

برقراری تعامل اجتماعی، بخش جدایی ناپذیر زندگی است و انسان‌ها، برای درک احساسات و عواطف یک‌دیگر به شیوه‌ای متفاوت ابراز نگرانی می‌کنند. در حالی که برخی نسبت به دغدغه‌مندی‌های شخص مقابل خود بی‌تفاوت هستند، برخی دیگر تنها هم‌زبانی می‌کنند و در سطحی بالاتر برخی تمایل دارند خود را جای دیگری گذاشته و برای او گام‌هایی بردارند. در پژوهش کیفی حاضر، نگارندگان به بررسی ۴۴۸ پاره‌گفتار به‌دست آمده از ۳۰ فیلم و سریال با ژانر اجتماعی و ۲۱۱ پاره‌گفتار جمع‌آوری شده از مکالمات افراد (با بازه سنی ۱۸ تا ۶۹ سال) در مکان‌های عمومی، خصوصی (رسمی/غیررسمی) و فضای مجازی مربوط به زباهنگ «دل‌نگرانی نسبت به دیگری» پرداخته و آنان را در چهار سطح هیچ‌دلی، برون‌دلی، درون‌دلی و فرادلی براساس الگوی مفهومی تحلیلی زباهنگ مورد مذاقه قرار دادند. نتایج نشان داد افراد با اهداف متفاوتی مانند دلسوزی، نصیحت، سلب مسئولیت و تبرئه خود، تغییر در تصمیم، شماتت، فداکاری، گلایه و موارد مشابه از این زباهنگ استفاده می‌کنند. افزون‌براین، این زباهنگ تأییدی بر فرهنگ‌های تعارف، جمع‌گرایی، هلوبی، اغراق‌افزوده و غیرمستقیم‌گویی ایرانیان است که افراد نسبت به آن در مرحله درون‌آگاهی قرار دارند. همچنین، یافته‌ها

<sup>۱</sup> شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/jlr.2023.40927.2203

<sup>۲</sup> استاد آموزش زبان انگلیسی، هیأت علمی گروه زبان انگلیسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی،

دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران؛ pishghadam@um.ac.ir

<sup>۳</sup> استادیار آموزش زبان فارسی، هیأت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی

شریعتی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران (نویسنده مسئول)؛ shimaabrahimi@um.ac.ir

نشان می‌دهند امروزه میزان دل‌نگرانی افراد بیشتر به سمت هیچ‌دلی و برون‌دلی پیش رفته که این امر نمایانگر متمایل شدن آنان از جمع‌گرایی به سمت فردگرایی است. بنابراین، واکاوی این زبانهنگ به شناسایی بیشتر سطوح درون‌دلی و فرادلی در قالب عبارات‌های زبانی کمک بسیاری می‌کند و راه را برای به‌فرهنگی و شناسایی ژن‌های معیوب در جامعه هموار می‌سازد.

**واژه‌های کلیدی:** زبانهنگ، دل‌نگرانی، هیچ‌دلی، برون‌دلی، درون‌دلی، فرادلی

## ۱. مقدمه

انسان موجودی اجتماعی است که تعاملات او با دیگران و چگونگی برقراری ارتباط مؤثر با آنها از آغاز تولد و در همه‌ی مراحل رشد وی از اهمیت بسیاری برخوردار بوده‌است. در زندگی اجتماعی، توانایی درک و آگاهی از افکار و احساسات دیگران و حساس‌بودن نسبت به دیدگاه‌های آنها، راه را برای برقراری زندگی دوستانه، خودآگاهی و پذیرش خود در میان دیگران هموار می‌سازد و وحدت و انسجام گروهی را به دنبال دارد. در روابط پیچیده‌ی امروزی، هر فرد ممکن است بارها در زندگی روزمره خود با مشکلات و گرفتاری‌های گوناگونی روبه‌رو شود که وی را وادار سازد از دیگران کمک بگیرد. در این میان منش‌های همسود دوستی، همیاری و کمک به دیگران از ویژگی‌های بارز ایرانیان از گذشته تاکنون بوده‌است و باید به این مهم توجه داشت که رفتارهای حمایتی و کمک‌کننده به دیگران، هرچند در اندازه کلامی، ممکن است جلوی بسیاری از آسیب‌های احتمالی به فرد را بگیرد و به‌نوعی نیروی انگیزشی به شمار آید (Andreoni et al., 2016).

روشن است که افراد در رویارویی با گرفتاری‌های دیگران براساس دریافت و فهم وضعیت یا شرایط عاطفی فرد مقابل برخورد‌های کلامی تا عملکردی گوناگونی را به کار می‌برند که این امر میزان دغدغه‌مندی و دل‌نگرانی آنها را نسبت به دیگری و مشکل‌شان روشن می‌سازد. در پژوهش حاضر منظور از «دل‌نگرانی برای دیگری»، میزان توانایی عاطفی و شناختی برای فهم هیجانات و پاسخ‌دهی به حالت ذهنی و احساسی دیگران است. پژوهش‌های زیست‌عصب‌شناسی بر وجود دست‌کم دو مدار متمایز برای دل‌نگرانی در افراد تأکید کرده‌اند. بخشی از شبکه‌ی میزان دغدغه‌مندی، جزء هیجانی است که سیستم نورون‌های آینه‌ای<sup>۱</sup> و سیستم لیمبیک<sup>۲</sup> را در بر می‌گیرد و به ادراک هیجانات و احساساتی مانند خشم، تنفر، شادی و غم مربوط است. بخش دیگر، جزء

<sup>۱</sup> mirror neurons

<sup>۲</sup> limbic system

شناختی است که به توانایی درک و نگاه به دنیا از دیدگاه دیگران اشاره دارد (Zaki & Ochsner, 2012). با توجه به این دسته‌بندی، در برخی موارد فرد از جنبه هیجانی و شناختی نسبت به مشکل دیگری بی تفاوت است و در موارد دیگر فراخوانی عاطفه مشابه اتفاق می افتد و فرد توانایی درک دیدگاه دیگری را در موقعیت پیدا می کند. در همه این موارد عبارت‌ها و اصطلاح‌هایی برای همدردی و درک متقابل و حتی فرار از این موقعیت میان افراد ردوبدل می شوند. از آن جاکه رابطه دوسویه زبان و فرهنگ انکارناپذیر است (Brown, 1994)، با بررسی این عبارات زبانی که در این بافت‌های اجتماعی تبادل می شود (زباهنگ) و نمایانگر نوع نگاه و تفکر افراد جامعه است، می توان به آشکارسازی فرهنگ نهفته در آن نیز پرداخت (Pishghadam, 2013).

پژوهش حاضر بر مبنای تعاملات بین فردی و از جنبه ابعاد اجتماعی-عاطفی میان واژگان «هیچ دلی<sup>۱</sup>»، «همزبانی<sup>۲</sup>» و «همدلی<sup>۳</sup>» تمایز در نظر گرفته است. منظور از هیچ دلی این است که فرد هیچ گونه احساس، عاطفه، علاقه و یا نگرانی نسبت به مشکل به وجود آمده برای فرد مقابل خود ندارد و این امر او را به سوی بی تفاوتی می کشاند. همزبانی نوعی همدردی، درک دیگران و مشکل آن‌ها از زاویه دید خود است و فقط به صورت اظهار یا کلامی انجام می پذیرد که نوعی انفعال را در درون خود دارد؛ ولی در همدلی فرد خود را به جای فرد آسیب دیده و درگیر مشکل، می گذارد و تلاش می کند از زاویه دید او مسائل را ببیند، احساسات او را تجربه کند و در آن شریک شود؛ بنابراین میزان احساس و عاطفه در آن بیشتر و معمولاً کنش محور است (Ariyaratne & Hulathduwa, 2015). این طبقه بندی رابطه معناداری با میزان توانمندی ارتباطی دارد و سطح‌های بالای آن می تواند با غنای تعاملات فردی، حس رضایت از دیگری را افزایش دهد.

نگارندگان در پژوهش حاضر در پی واکاوی و بررسی عبارت زبانی هستند که در هنگام رویارویی با مشکل دیگری در بافت‌های گوناگون نمود می یابند و میزان دل نگرانی افراد نسبت به دیگری را روشن می سازند. بنابراین با بیان کردن مفهوم زباهنگ (زبان نهفته در فرهنگ) دل نگرانی برای دیگری<sup>۴</sup>، دسته بندی جدیدی از سطح‌های دل نگرانی ارائه می دهند و بر این باورند در زمان بروز یک مشکل برای فرد فقط همسویی احساسات و همدلی برای از بین بردن آن ممکن است کافی نباشد و با توجه به میزان صمیمیت افراد با یکدیگر، می توان سطح‌های بالاتری از

<sup>1</sup> apathy

<sup>2</sup> sympathy

<sup>3</sup> empathy

<sup>4</sup> cultuling of concerns for others

دغدغه‌مندی مانند فرادلی<sup>۱</sup> را نیز در نظر گرفت. بنابراین با بررسی سطح‌های گوناگون دل‌نگرانی، نگارندگان به این پرسش پاسخ می‌دهند که زباهنگ مورد اشاره در چه موقعیت‌های زمانی، مکانی، به‌وسیله چه افرادی و با چه اهداف یا انواعی به کار می‌روند؟ پس از آن به بررسی الگوهای فرهنگی مستتر در این زباهنگ پرداخته می‌شود و با بررسی هیجامد<sup>۲</sup> (هیجان+بسامد) این زباهنگ تلاش می‌شود میزان بهره‌گیری از آن در سطح جامعه ایران مورد بررسی قرار بگیرد تا بتوان به درون‌دلی و فرادلی به‌عنوان ژن سالم برای به‌فرهنگی<sup>۳</sup> نگرست و افراد هیچ‌دل و برون‌دل را بیشتر به سمت آن‌ها متمایل کرد.

## ۲. پیشینه پژوهش

تمایز میان هیچ‌دلی، همزبانی و همدلی از اوایل قرن بیستم تاکنون در پژوهش‌های گوناگون روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی و مانند آن مورد بررسی قرار گرفته‌است که این امر خود نشان‌دهنده اهمیت میزان دغدغه‌مندی و دل‌نگرانی افراد نسبت به یکدیگر است. در ادامه به برخی از این پژوهش‌ها اشاره می‌شود:

بیرامی و همکاران (Beyrami et al., 2014) با بررسی مؤلفه‌های همدلی با شادکامی در میان دانشجویان به این نتیجه دست یافتند که میان همدلی و شادکامی رابطه وجود دارد و همدلی زیاده‌تر به روابط بین‌فردی عاطفی و شناختی بالا منجر می‌شود که دستاورد آن ایجاد هیجانات مثبت و اثربخش است. در پژوهشی دیگر، همدلی و همدردی در دیوان صائب به‌عنوان یکی از مهارت‌های اساسی ایجاد ارتباط مؤثر به‌وسیله بهنام و رجب‌زاده (Behnam & Rajabzadeh, 2016) مورد بررسی قرار گرفته‌است. آن‌ها بر این باورند که اطلاع، آگاهی و نشان‌دادن چگونگی به‌کارگیری این واژه‌ها و بازتاب آن‌ها در ادب فارسی و آثار بزرگان علم و ادب، افزون‌بر شناساندن بهتر و بیشتر افکار و اندیشه‌های آن بزرگان، کمک شایانی به مربیان، مشاوران و عموم مردم در ایجاد ارتباط مؤثر خواهد کرد. یافته‌های به‌دست آمده از پژوهش آن‌ها نشان داد که صائب از واژه‌های گوناگونی مانند «همدرد»، «همزبان»، «همراه»، «هم‌صحبت»، «همزانو»، «همتاب»، «همنفس» و مانند آن بهره برده که می‌تواند بیانگر توجه او به این مفاهیم باشد. در پژوهشی دیگر، سلطانی‌عظمت و همکاران (Soltani Azemat et al., 2016) با استفاده از پرسشنامه همدلی داویس و آزمون چشم‌های بارون کوهن به مقایسه نظریه ذهن<sup>۴</sup> و همدلی در ۱۰۰ دانشجوی

<sup>1</sup> metapathy

<sup>2</sup> emotioncy

<sup>3</sup> euculturation

<sup>4</sup> Theory of Mind (ToM)

کارشناسی پسر و دختر دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی تهران پرداختند. یافته‌های پژوهش آنان نشان داد زنان به صورت چشمگیری در همدلی نمره‌های بالاتری از مردان به دست آوردند و میان نمره‌های آن‌ها در آزمون نظریه ذهن تفاوت معناداری دیده نشد. کهنوجی (Kahnouji, 2016) نیز به بررسی ابعاد همدلی در بین ۶۱ عضو هیأت علمی دارای پست‌های مدیریتی با توجه به نقش جنسیتی آن‌ها در دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان در سال‌های تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۵ پرداخته است. یافته‌های پژوهش او نشان داد میان میزان همدلی و جنسیت افراد رابطه‌ای وجود ندارد و میزان همدلی در سطح مدیران نیز پایین بوده است. بنابراین برگزاری دوره‌های آموزشی مرتبط با روابط انسانی پیشنهاد شده است. یاری‌قلی و بهادری خسروشاهی (Yarigoli & Bahadorikhosroshahi, 2018) در پژوهشی دیگر به بررسی تطبیقی مفهوم همدلی از منظر روان‌شناسی و مبانی اسلامی پرداخته‌اند و بر این باورند همدلی یکی از توانایی‌های هیجانی افراد است که از دوران کودکی آغاز می‌شود و نقش اساسی در زندگی اجتماعی انسان‌ها دارد. در مبانی اسلامی نیز بر عمل خیر، همیاری، همکاری، دادگری و انصاف تأکید می‌شود که نزدیک‌ترین مفهوم را با همدلی دارد. در پژوهشی دیگر، خردمند و همکاران (Kheradmand et al., 2018) به مقایسه همدلی عاطفی و شناختی در دو گروه دارای سبک شخصیت<sup>۱</sup> جرأت‌ورز و ضداجتماعی<sup>۲</sup> پرداختند و یافته‌های پژوهش آنان نشان داد که همدلی عاطفی در افراد دارای سبک شخصیت ضداجتماعی کمتر از افراد جرأت‌ورز است و دلیل آن را می‌توان در ناهنجاری‌های مغزی و درک نادرست هیجان‌ها از چهره، جرأت‌ورزی، همدلی عاطفی کم و سبک دلبستگی ناایمن آن‌ها جست‌وجو کرد. ترکمن ملایری و شیخ‌الاسلامی (Torkaman Malayeri & Sheikholeslami, 2019) نیز با هدف تعیین نقش واسطه‌ای هیجان‌های اخلاقی به بررسی رابطه بین همدلی و رفتار جامعه‌پسند ۵۰۸ نوجوان پرداختند. یافته‌های پژوهش آن‌ها نشان داد که همدلی بر رفتارهای جامعه‌پسند و هیجان‌های گناه و شرم فرزندان، اثر مستقیم و مثبتی دارد.

پیش‌قدم (Pishghadam, 2022) با مطرح کردن مفهوم «فرادلی» برای نخستین بار، بر این باور است که همدلی به تنهایی کافی نیست و جامعه ما نیازمند تربیت افرادی است که حس فرادلی بالاتری دارند و از کنار مشکلات دیگران به راحتی عبور نمی‌کنند. از این منظر، برخی افراد ممکن است حس همدلی بالایی داشته باشند ولی نمی‌توانند با نگاهی جهانی و کلی به هیجان‌ات دیگران بیندیشند. از سوی دیگر، وی بر این باور است که در سطح فرادلی ممکن است میان پذیرش

<sup>1</sup> assertive individuals

<sup>2</sup> antisocial

همدلی و فرادلی ناسازگاری به‌وجود آید. یعنی فرد در نگاهی آینده‌نگرانه می‌کوشد زندگی دیگران را تغییر دهد ولی فرد مقابل انتظار رفتار همدلانه را دارد و این دو ممکن است احساس کنند که هم‌دیگر را درک نمی‌کنند. بنابراین، انتظارسنجی هیجانی بحث مهمی در این زمینه است. فرادلی ممکن است در کوتاه‌مدت خوشایند به نظر نرسد ولی اگر به پذیرش از سوی مخاطب بینجامد، به رشد و پیشرفت او کمک بسیاری می‌کند.

در به‌روزترین پژوهش انجام‌شده به‌وسیله پیش‌قدم و همکاران (Pishghadam et al., 2022)، آن‌ها پس از دسته‌بندی سطوح دغدغه‌مندی به چهار سطح هیچ‌دلی، برون‌دلی، درون‌دلی و فرادلی براساس سطوح هیجانی، با طراحی و اعتباریابی مقیاس اندازه‌گیری میزان دل‌نگرانی مدرس<sup>۱</sup> به بررسی میزان دل‌نگرانی ۷۱۶ معلم نسبت به دانش‌آموزان‌شان براساس وضعیت اقتصادی و طبقه اجتماعی آنان پرداخته‌اند. یافته‌های پژوهش آن‌ها نمایانگر این مهم بود که معلمان با طبقه اجتماعی اقتصادی پایین و متوسط تمایل بیشتری نسبت به فرادلی با دانش‌آموزان نشان دادند. لازم به گفتن است از این مقیاس می‌توان برای اندازه‌گیری میزان دل‌نگرانی دیگر اقشار جامعه نیز بهره برد.

همان‌گونه که مشاهده شد، بیشتر پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه همدلی و هم‌زبانی (هم‌دردی) است و در مورد دیگر سطح‌های دل‌نگرانی پژوهش‌چندان زیادی انجام نشده‌است. افزون‌براین، به نظر می‌رسد از منظر تحلیل زباهنگ‌ها و بررسی عبارات‌های زبانی که میزان دل‌نگرانی افراد را نشان می‌دهند، تاکنون پژوهشی به انجام نرسیده‌است. بنابراین از آن‌جاکه با تحلیل زباهنگی می‌توان به فرهنگ نهفته در پشت این عبارات زبانی پی برد، در پژوهش حاضر از منظر جامعه‌شناسی زبان و از بُعد زباهنگی میزان دل‌نگرانی ایرانیان نسبت به دیگری مورد نظر قرار گرفته که وجه تمایز با پژوهش‌های پیشین در این زمینه است.

### ۳. مبانی نظری پژوهش

#### ۳-۱. الگوی مفهومی تحلیل زباهنگ

با توجه به تأثیر متقابل زبان، فرهنگ و تفکر بر یک‌دیگر، پیش‌قدم (Pishghadam, 2013) با مطرح کردن مفهوم زباهنگ بر این باور است که قطعه‌های زبانی هر جامعه می‌توانند به‌خوبی نمایانگر فرهنگ و تفکرات حاکم بر رفتار افراد آن جامعه باشند که در طی نسل‌های گوناگون دچار تغییر و دگرگونی می‌شوند. بنابراین با موشکافی و بررسی عبارات زبانی می‌توان به باورهای

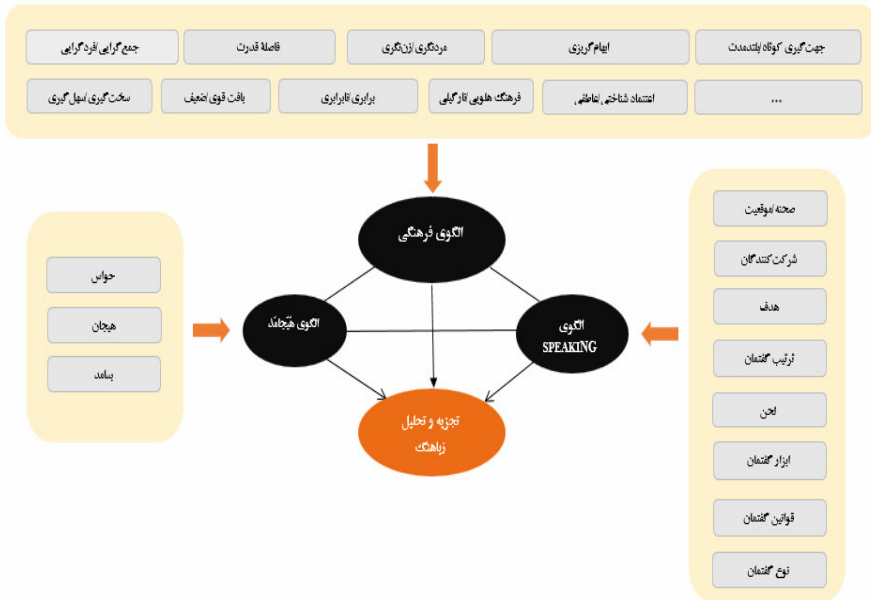
<sup>۱</sup> Teacher Concern for Students (TCS) Scale

فرهنگی، نگرش و باورهای افراد یک جامعه نیز دست یافت و عبارت‌های زبانی می‌توانند نقش شمای فرهنگی یک قوم را بر عهده داشته باشند. از دیدگاه وی، اگر یک عبارت زبانی با فراوانی بالا در میان مردمان یک جامعه رواج یابد، تبدیل به تفکر حاکم بر آن جامعه خواهد شد که راه را برای فرهنگ کاوی، بررسی الگوهای فرهنگی غالب و نظام فکری مستتر فراهم می‌آورد. بنابراین، شناسایی زبانهنگ‌ها همچون ابزاری دگرگون‌شونده، به تغییر و چاره‌اندیشی فرهنگی می‌انجامد و از طریق آن‌ها می‌توان برای به‌فرهنگی و تعالی فرهنگی گام‌های مؤثری برداشت.

پیش‌قدم و همکاران (Pishghadam et al., 2020b) با مطرح کردن مفهوم تحلیل زبانهنگ<sup>۱</sup> عواملی فراتر از متن یعنی بافت فرهنگی، موقعیتی، اجتماعی، سیاسی و مانند آن را در تفسیر و تحلیل زبانهنگ‌های یک جامعه بااهمیت می‌دانند و بر این باورند که تجزیه و تحلیل عناصر فرهنگی از طریق کاربرد عبارت‌های زبانی به‌صورت زبانهنگ در جامعه امکان‌پذیر است. آنچه در تحلیل زبانهنگ مورد بررسی قرار می‌گیرد، مجموعه ویژگی‌های صوری است که در رفتار و گفتار مردم یک جامعه بسیار و با فراوانی بالا یافت می‌شود و در اعمال و رفتار آنان نیز نمود پیدا می‌کند. از این رو، بررسی خواسته‌های معینی که این زبانهنگ‌ها به کار گرفته می‌شوند، تجزیه و تحلیل شده و معانی اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، ارتباطی و موقعیتی آنان مورد شناسایی قرار می‌گیرند. آنچه در تحلیل زبانهنگ اهمیت دارد، در نظر گرفتن لایه‌های درونی و عمقی واژگان است که با نگاهی نظام‌مند و کل‌نگر در شناسایی ژن‌های معیوب و سالم فرهنگی تأثیرگذار است و با بررسی آن‌ها می‌توان به الگوها و ارزش‌های فرهنگی مردم یک جامعه دست یافت. با توجه به این مهم، پیش‌قدم و همکاران (Pishghadam et al., 2020a) الگوی تحلیل مفهومی زبانهنگ را مطرح کرده‌اند که از مجموع سه الگوی SPEAKING=، الگوهای فرهنگی و الگوی هیجامد برای تحلیل زبانهنگ‌ها تشکیل شده‌است. نمای این الگو در شکل (۱) به نمایش درآمده‌است.

---

<sup>1</sup> Cultuling Analysis (CLA)



شکل ۱: الگوی مفهومی تحلیل زباهنگ (Pishghadam et al., 2020a)

با توجه به اینکه برای تحلیل زباهنگ‌ها باید این سه مؤلفه در تحلیل در نظر گرفته شوند، در ادامه برای آشنایی بیشتر با این الگو هر یک از اجزای آن معرفی می‌شود.

### ۳-۱-۱. الگوی SPEAKING

هایمز (Hymes, 1974) بر این باور است برای تحلیل یک مکالمه، محدود شدن به پژوهش‌های زبانی و بررسی درست بودن دستور یک گفته، کافی نیست، بلکه باید به بافتی که واژه‌ها در آن به کار برده می‌شوند نیز، توجه شود. وی (Hymes, 1967) با در نظر گرفتن نقش ارتباطات و تعاملات اجتماعی از طریق زبان برای بررسی زبان در بافت اجتماعی آن، ویژگی‌های مختلف یک گفتار اعم از گوینده، شنونده، موقعیت زمانی و مکانی تعاملات و ارتباطات میان افراد در شکل‌گیری یک گفتار، عوامل مؤثر در برقراری ارتباط را به هشت گروه دسته‌بندی کرده است که همه آن‌ها با علامت اختصاری «SPEAKING» نشان داده می‌شوند. در ادامه به شرح هر یک از موارد می‌پردازیم:

موقعیت زمانی و مکانی (محیط/صحنه<sup>۱</sup>) (S): موقعیت یک گفته به دو دسته زمانی و مکانی دسته‌بندی می‌شود که با توجه به مؤلفه‌های زمان و مکان (موقعیت فیزیکی) به بافتی که گفتار در

<sup>1</sup> setting/scene



آن رخ می‌دهد، اشاره دارد (Hymes, 1974). موقعیت یک گفتمان را با در نظر گرفتن شرایط آن می‌توان به الف: گروه‌های عمومی و رسمی و ب: خصوصی و غیررسمی دسته‌بندی کرد (Pishghadam & Vahidnia, 2016).

شرکت کنندگان<sup>۱</sup>(P): به همه افرادی که در یک مکالمه در جایگاه‌های گوناگونی از سخنگو-شونده، خطاب کننده-خطاب شونده یا فرستنده-گیرنده قرار دارند (Hymes, 1972) و با توجه به متغیرهایی مانند قدرت، سن، ملیت، جنسیت و نوع ارتباط تقسیم‌بندی شوند، شرکت کننده آن مکالمه گفته می‌شود.

هدف<sup>۲</sup>(E): هر مکالمه در هر بافتی که رخ دهد، هدف‌های متفاوتی را دنبال می‌کند که افراد براساس این اهداف شخصی، مکالمه‌های خود را تنظیم می‌کنند و آنان را می‌توان با توجه به شرایط کلی گفتمان درک کرد (Hymes, 1975).

ترتیب عملکرد<sup>۳</sup>(A): در یک مکالمه، هر گفته به گونه‌ای بیان می‌شود که با ترتیب گفتمان می‌توان به محتوای آن و واکنش احتمالی مخاطب پی برد. این ترتیب نشان‌دهنده چگونگی بیان گفته، نظم و ترتیب آن است (Hymes, 1974).

لحن<sup>۴</sup>(K): منظور از لحن، چگونگی بیان گفتار و آهنگ مربوط به آن است. براین اساس، در یک گفتمان لحن می‌تواند آرام، جلدی، تمسخرآمیز، طعنه‌آمیز و مانند آن باشد (Hymes, 1972).

ابزار گفتمان<sup>۵</sup>(I): به شیوه بیان و سبک و سیاق یک گفتمان اشاره دارد که می‌تواند به صورت‌های گوناگونی مانند نوشتاری، گفتاری یا تلگرافی باشد (Hymes, 1972).

قوانین گفتمان<sup>۶</sup>(N): این مؤلفه به برخی ویژگی‌های توصیفی، هنجارها و قواعد اجتماعی یک گفته اشاره دارد (Hymes, 1972).

نوع گفتمان<sup>۷</sup>(G): هر گفتمان ممکن است در قالب‌های متفاوتی مانند شعر، مَثَل، معما، داستان، افسانه، مکالمه، دعا، لطیفه، نامه و مانند آن شکل بگیرد که مجموعه ویژگی‌های تشکیل‌دهنده یک گفته را شکل می‌دهد (Hymes, 1974).

---

1 participants

2 end

3 act sequence

4 key

5 instrumentalities

6 norms of interaction and interpretation

7 genre

### ۳-۱-۲. الگوی هیج‌آمد<sup>۱</sup>

در تحلیل زبانهنگ‌ها سه مؤلفه «بسامد تکرار واژه»، «هیجان نسبت به کارگیری آن واژه» و «حسی که از رویارویی و شنیدن واژه درگیر می‌شود»، اهمیت دارد. براین‌اساس پیش‌قدم (Pishghadam, 2015) مفهومی به نام هیج‌آمد را مطرح کرده که بر این باور است حس عاطفی و هیجانی هر واژه در هر جامعه زبانی متفاوت است و قابلیت درجه‌بندی براساس میزان حواس درگیر شده را دارد. با توجه به این، به هر میزان حواس مختلف مخاطبان با محرک‌های گوناگون شنیداری، دیداری، بویایی، چشایی و لمسی حرکتی بیشتری تحریک شود، میزان درک مطلب آن‌ها افزایش می‌یابد (Ebrahimi & Jahani, 2022). پیش‌قدم (Pishghadam, 2015) سطح‌های سلسله‌مراتبی برای این الگو را متشکل از سه مرحله هیج‌آگاهی<sup>۲</sup>، برون‌آگاهی<sup>۳</sup> و درون‌آگاهی<sup>۴</sup> در نظر گرفته است که این سه مرحله خود از سطوح هیج‌آمدی متفاوت ۱- هیج‌آگاهی (هیج‌آمد تهی<sup>۵</sup>)، ۲- برون‌آگاهی (هیج‌آمدهای شنیداری<sup>۶</sup>، دیداری<sup>۷</sup>، لمسی حرکتی<sup>۸</sup>)، ۳- درون‌آگاهی (هیج‌آمدهای درونی<sup>۹</sup> و جامع<sup>۱۰</sup>) تشکیل شده است. در مرحله هیج‌آگاهی فرد هیچ‌گونه دانشی نسبت به واژه ندارد و حسی نیز به هنگام رویارویی با آن در او درگیر نمی‌شود. به محض شنیدن در مورد واژه، تجربه هیج‌آمدی وی به سطح شنیداری و با دیدن و لمس کردن آن واژه تجربه او به سطح هیج‌آمدهای دیداری و لمسی حرکتی ارتقا می‌یابد. از آن‌جا که تجربه فرد تنها از راه شنیدن و دیدن و حتی لمس کردن است، تجربه هیج‌آمدی در مرحله برون‌آگاهی قرار دارد و فرد هنوز تجربه مستقیم و نزدیکی در مورد آن ندارد. در سطح درونی فرد از نزدیک با واژه و موارد مربوط به آن روبه‌رو می‌شود (برای نمونه میوه‌ای مانند آووکادو را می‌خورد و نسبت به آن تجربه مستقیم پیدا می‌کند و در پایان، در سطح جامع آنچنان حواس او درگیر می‌شود که تصمیم می‌گیرد در مورد آن تحقیق کند و فوایدش را بداند. بنابراین دو سطح هیج‌آمدی درونی و جامع مربوط به مرحله درون‌آگاهی است که اطلاعات در مورد واژه برای فرد نهادینه می‌شود. پیش‌قدم و همکاران (Pishghadam et al., 2019) مرحله دیگری به نام فراآگاهی<sup>۱۱</sup> به این الگو افزوده و

<sup>1</sup> emotioncy pattern

<sup>2</sup> avolvement

<sup>3</sup> exvolvement

<sup>4</sup> involment

<sup>5</sup> null emotioncy

<sup>6</sup> auditory emotioncy

<sup>7</sup> visual emotioncy

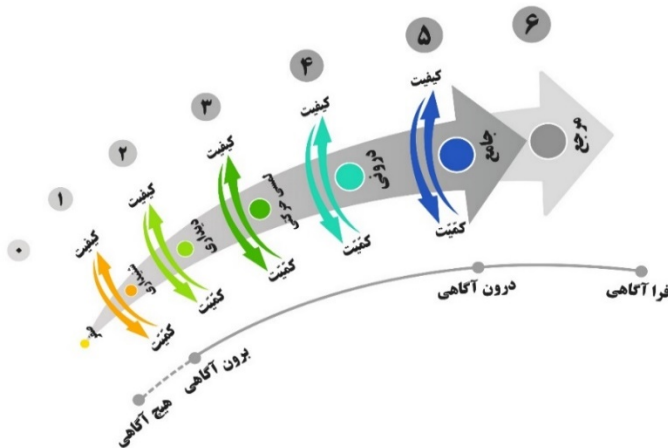
<sup>8</sup> kinesthetic emotioncy

<sup>9</sup> inner emotioncy

<sup>10</sup> arch emotioncy

<sup>11</sup> metavolvement

بر این باورند اگر حواس فرد آن‌چنان درگیر موضوع شده که او به‌خوبی به موضوع تسلط پیدا کرده و بتواند همانند یک مدرس آن را برای دیگران تدریس کند و در موردش توضیح دهد، سطح هیج‌آمد او به مرجع<sup>۱</sup> افزایش یافته و به مرحله فراآگاهی خواهد رسید که بیشترین سطح هیج‌آمد است. سلسله‌مراتب هیج‌آمد در شکل (۲) قابل مشاهده است.



شکل ۲: الگوی هیج‌آمد مسوط (Pishghadam et al., 2019)

پیش‌قدم و ابراهیمی (Pishghadam & Ebrahimi, 2020; Pishghadam & Ebrahimi, 2024) بر این باورند زبانهنگ‌های زبان فارسی را می‌توان براساس این الگو به درجه‌های گوناگون زبانهنگ‌های هیج‌آگاهی، برون‌آگاهی، درون‌آگاهی و فراآگاهی دسته‌بندی کرد؛ به این معنا که واژگان و عبارات زبانی در هر جامعه می‌توانند هیج‌آمدهای متفاوتی برای مردم آن تولید کنند. افراد نسبت به برخی از واژگان هیج حس و هیجانی ندارند و تاکنون نیز در مورد آن‌ها نشنیده‌اند (زبانهنگ هیج‌آگاهی). برای نمونه برخی از اصطلاح‌ها و مثل‌ها برای نسل جوان کنونی کاملاً ناآشنا هستند؛ برخی از واژه‌ها را افراد فقط در متون دیده‌اند یا در مورد آن‌ها فقط تجربه شنیداری دارند (زبانهنگ برون‌آگاهی). مانند عبارت «علی حضرت همایونی» که امروزه در کلام کاربرد ندارد، ولی در متون کهن دیده می‌شود. برخی از واژه‌ها و عبارات زبانی آن‌چنان در زندگی افراد کاربرد دارند که به‌صورت روزمره به‌وسیله گروه‌های متفاوت به کار برده می‌شوند؛ مانند واژه «ناز» و عبارات مربوط به آن که در کلام ایرانیان بسیار به کار برده می‌شود. این عبارات را می‌توان زبانهنگ درون‌آگاهی دانست. برخی دیگر از واژه‌ها به‌وسیله افراد شاخص

<sup>1</sup> mastery emotionency

جامعه آن‌چنان در سطح جامعه گسترده و رایج می‌شوند که تا سالیان سال در جامعه کاربرد دارند (زباهنگ فراآگاهی)؛ برای نمونه واژه‌هایی که به وسیله هنرمندان یا بازیگران باب می‌شوند و تا سال‌ها در کلام و ذهن می‌مانند. بررسی سطوح هیجانی زباهنگ‌ها در تحلیل آن‌ها مؤثر هستند و حس و هیجان افراد در سطح جامعه را نسبت به آن‌ها آشکار می‌سازند (Pishghadam & Ebrahimi, 2024).

### ۳-۱-۳. الگوهای فرهنگی

افراد در تعامل اجتماعی با یک‌دیگر دارای الگوهای آشکار و پنهانی هستند که برگرفته از فرهنگ حاکم بر جامعه آنان است (Markus & Hamedani, 2007) و در طی تجربیات فردی و محیطی خود را نشان می‌دهند. بنابراین، این الگوها با رفتارهای مردم آن جامعه در ارتباط هستند و در بردارنده ویژگی‌های فرهنگی و رفتاری آنان هستند (Pishghadam & Ebrahimi, 2020). با توجه به اینکه هر جامعه‌ای می‌تواند با توجه به ویژگی‌های رفتاری و تفکری مردم آن جامعه دارای الگوهای فرهنگی گوناگونی باشد (Ebrahimi & Jahani, 2021)، دسته‌بندی‌های متفاوتی از این الگوهای فرهنگی به وسیله پژوهشگران گوناگون ارائه شده است. مشهورترین این دسته‌بندی مربوط به هافستد (Hofstede, 1983) است که ابعاد الگوی فرهنگی را مطرح کرده و دارای زیرمؤلفه‌هایی مانند فاصله قدرت<sup>۱</sup>، پرهیز از نبود اطمینان (ابهام‌گریزی<sup>۲</sup>)، فردگرایی<sup>۳</sup> در مقابل جمع‌گرایی<sup>۴</sup> و مردنگری<sup>۵</sup> در مقابل زن‌نگری<sup>۶</sup> است. برای نمونه الگوی فرهنگی فاصله قدرت نشان می‌دهد مردم تا چه اندازه می‌توانند توزیع قدرت و ثروت را در میان گروه‌ها با سرمایه‌های گوناگون تحمل کنند (Minkov & Hofstede, 2013). اگر فاصله قدرت در جامعه‌ای زیاد باشد برخی افراد در نقش حاکم بر اقشار ضعیف تر تسلط دارند و برای آنان تصمیم‌گیری می‌کنند یا در جوامع جمع‌گرا، روابط اجتماعی، اتحاد، همدلی اهمیت دارند و افراد بیشتر منافع دیگری را نسبت به خود در نظر می‌گیرند (Pishghadam & Ebrahimi, 2024).

به صورت کلی، الگوهای فرهنگی در جامعه را می‌توان نمایانگر برنامه‌های ذهنی و جهت‌گیری‌های ارزشی، فکری، احساسی و رفتاری آن جامعه در نظر گرفت که می‌تواند معیاری برای سنجش فرهنگ آن باشد. اگر بخواهیم تحلیل عمیق‌تری از مشکلات و گرفتاری‌های یک

<sup>1</sup> power distance

<sup>2</sup> uncertainty avoidance

<sup>3</sup> individualism

<sup>4</sup> collectivism

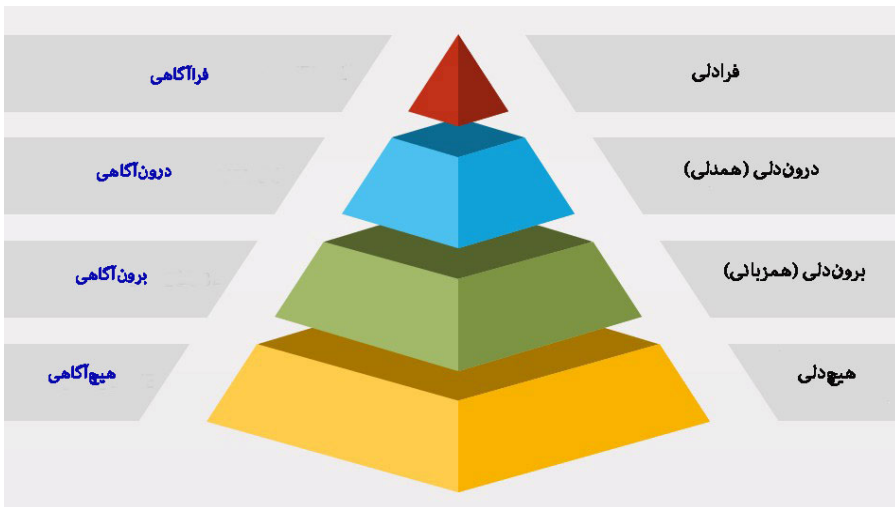
<sup>5</sup> masculinity

<sup>6</sup> femininity

جامعه داشته باشیم، بررسی این ارزش‌ها و الگوهای فرهنگی راه را هموار می‌سازد و در تحلیل زباهنگ‌ها نیز اهمیت دارد.

### ۲-۳. زباهنگ دل‌نگرانی برای دیگری

منظور از این زباهنگ، میزان دغدغه‌مندی و دل‌نگران بودن افراد نسبت به دیگران و مشکلات یا مسائل پیش‌آمده برای آن‌ها است که در کلام و در سطح‌های گوناگون بازنمایی می‌شود. یعنی آن‌ها نسبت به دیگران چه احساس و تفکری دارند و هنگامی که مشکلی برای دیگران به وجود می‌آید، با چه واژه‌ها و عبارات‌هایی در برابر این مشکلات واکنش نشان می‌دهند. پیش‌قدم و همکاران (Pishghadam et al., 2022) میزان دل‌نگرانی افراد را براساس سطوح هیجانی به چهار دسته هیچ‌دلی، برون‌دلی، درون‌دلی و فرادلی تقسیم کرده‌اند که در شکل (۳) قابل مشاهده است:



شکل ۳: هرم میزان دغدغه‌مندی افراد نسبت به دیگری (Pishghadam et al., 2022)

منظور از هیچ‌دلی سطحی است که افراد در حالت هیچ‌آگاهی نسبت به یک‌دیگر قرار دارند و نسبت به دیگری و مسأله پیش‌آمده برای وی ناآگاه و یا بی‌تفاوت هستند. در چنین شرایطی دغدغه‌ای از سمت گوینده نسبت به مخاطب وجود ندارد، فرد به شخص مقابل خود فکر نمی‌کند و واکنش رفتاری نیز دیده نمی‌شود (Nobis & Husain, 2018; Pishghadam et al., 2022). عبارتهایی مانند «به من چه، حوصلشو ندارم»، «ما چکار به بقیه داریم»، «الطافاً ما را درگیر

مسائل خودت نکن»؛ «خودت کردی، خودتم باید پاسخ‌گو باشی»، نشان‌دهنده این سطح از دغدغه‌مندی هستند.

در حالت برون‌دلی (هم‌زبانی/هم‌دردی)، افراد ممکن است با تصدیق احساسات دیگران در لحظه حال، فقط حس هم‌زبانی نسبت به آن‌ها داشته باشند و به شخص مقابل و دغدغه او کمی فکر کنند؛ ولی کنشی در این میان مشاهده نمی‌شود. در این نوع دل‌نگرانی، شخص منفعل است و تنها کمک او از نوع زبانی است، ممکن است پیشنهادی در کلام ارائه دهد و یا حتی فرد مقابل و عملکرد او را قضاوت کند. جمله‌هایی مانند «آخی چکار شده؟»؛ «به نظرم خوب گفتی»؛ «چه کار بدی کرده واقعا؟» «تسلیم می‌گم»، نشان‌دهنده سطح برون‌دلی هستند.

در حالت درون‌دلی، افراد نسبت به یک‌دیگر حس همدلی دارند، درگیر مشکل به وجود آمده برای مخاطب می‌شوند و تلاش می‌کنند مسأله را از زاویه ذهن فرد مقابل دیده و گام‌هایی برای از بین‌بردن گرفتاری او بردارند (Behnam & Rajabzadeh, 2016). بنابراین این سطح از دل‌نگرانی فعال‌محور است و به نوعی همکاری و دست‌گیری را گرفتن برای حل مشکل به شمار می‌آید. گوینده در این سطح می‌کوشد با احساسات و عواطف مخاطب خود هم‌نوایی کند و با ابراز خوشحالی، ناراحتی و تأسف خود با او هم‌قدم شود. پاره‌گفته‌هایی مانند «هرکاری داشتی در خدایم»؛ «هروقت خواستی برو مرخصی. من به جات میام»؛ «زودتر او ملدم که بهت کمک کنم»؛ «همیشه در کنارت هستم»، نشان‌دهنده سطح درون‌دلی از دغدغه‌مندی هستند.

در حالت فرادلی، افراد فراتر از لحظه حال را می‌بینند و می‌کوشند با در نظر گرفتن صلاح دیگران در طولانی‌مدت و با سنجش نگاهی کلی به کمک وی بروند یا اقداماتی انجام دهند. هدف از این نوع دغدغه‌مندی، ساخت و ایجاد تغییر در افراد است و ممکن است در ظاهر با روح همدلی سازگار نباشد؛ یعنی افراد ممکن است در لحظه درک عمیقی از فرادلی نداشته باشند و حتی از آن تصمیم ناراحت شوند (Pishghadam et al., 2023). جمله‌هایی مانند «من جوش آید تو می‌زنم که می‌گم»؛ «از همین فردا باید کلاس کنکور ثبت‌نام کنی»؛ «بیا این پول رو بگیر و برو کلاس ورزش ثبت‌نام کن» و «بیا بریم بانک برات حساب باز کنم تا پولاتو پس‌انداز کنی»، نشان‌دهنده سطح فرادلی هستند. شکل (۴) نمایانگر چکیده موارد اشاره‌شده در بالا است:

احساس دغدغه‌مندی	هیچ‌دلی	برون‌دلی (همزبانی)	درون‌دلی (همدلی)	فرا‌دلی
بدون دغدغه	هیچ‌آگاه	-----	-----	-----
دغدغه‌مندی محدود	-----	برون‌آگاه	-----	-----
دغدغه‌مندی زیاد	-----	-----	درون‌آگاه	-----
دغدغه‌مندی خیلی زیاد	-----	-----	-----	فرا‌آگاه

شکل ۴: سطوح دل‌نگرانی بر اساس الگوی هیجاند (Pishghadam, 2022)

#### ۴. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع کیفی و توصیفی است. برای بررسی جنبه‌هایی از فرهنگ ایرانیان نسبت به میزان دل‌نگرانی دربارهٔ دیگری، کوشش شد تا پاره‌گفتارهای مربوط به این زیاهنگ در سطوح چهارگانه (هیچ‌دلی، برون‌دلی، درون‌دلی و فرا‌دلی) دسته‌بندی شده و مورد بررسی قرار گیرند. از آن‌جا که داده‌های مستند مانند فیلم‌ها و رسانه ملی می‌توانند نمایانگر فرهنگ یک جامعه باشند و رفتارها و نگرش مردم آن جامعه را بازتاب می‌دهند (Dahl, 2004; Mininni, 2004)، داده‌های پژوهش حاضر با روش نمونه‌گیری دردسترس از میان مکالمه‌های شخصیت‌های سریال‌ها و فیلم‌های ایرانی دارای ژانر اجتماعی (۳۰ سریال و فیلم در سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۱) گردآوری شده‌اند و نگارندگان همهٔ عبارت‌های مربوط به دل‌نگرانی را از میان مکالمه‌های مورد اشاره برای بررسی انتخاب کرده‌اند. به این صورت که فیلم‌ها و سریال‌های مورد اشاره از ابتدا تا پایان مشاهده شده‌اند و جمله‌های مربوط به این زیاهنگ‌ها از میان همهٔ مکالمه‌های ردوبدل شده میان شخصیت‌های سریال و فیلم‌ها استخراج شده‌اند که تعداد آنان ۴۴۸ پاره‌گفتار (۷۶ پاره‌گفتار حاوی هیچ‌دلی، ۱۹۱ پاره‌گفتار حاوی برون‌دلی، ۹۳ پاره‌گفتار حاوی درون‌دلی و ۸۸ پاره‌گفتار حاوی فرا‌دلی) بوده‌است. افزون‌براین، کوشش شده‌است مکالمه‌های روزمرهٔ افراد جامعه به صورت تصادفی در مکان‌های گوناگون عمومی و خصوصی (مانند فروشگاه، دانشگاه، اداره و موارد مشابه) و فضای مجازی (تلگرام، واتساپ، اینستاگرام) نیز در مدت زمان ۴ ماه (فروردین ماه ۱۴۰۱

الی تیرماه ۱۴۰۱) از طریق مشاهده موقعیت‌های مکالمه‌های آن‌ها مورد بررسی دقیق قرار گیرند و از میان آن‌ها پاره‌گفتارهای طبیعی درباره دل‌نگرانی در مورد موضوع‌های گوناگون تحصیلی، رابطه، شغلی و مانند آن به تعداد ۲۱۱ پاره‌گفتار گردآوری شده‌اند. به این صورت که نگارندگان مکالمه‌ها را در بافت‌های گوناگون حضوری و مجازی دنبال کرده و عبارت‌های مربوط به سطوح دل‌نگرانی را استخراج و پیاده‌سازی کرده‌اند. از این عبارت‌ها، ۳۹ پاره‌گفتار دربردارنده هیچ‌دلی، ۱۱۷ پاره‌گفتار دارای برون‌دلی، ۳۴ پاره‌گفتار دربردارنده درون‌دلی و ۲۱ پاره‌گفتار دارای فرادلی بوده است. لازم به اشاره است افرادی که این پاره‌گفتارها را در کلام خود به کار برده‌اند، ۱۴۶ زن و ۱۱۲ مرد ایرانی در بازه سنی ۱۸ تا ۶۹ سال (۴۸ نوجوان، ۷۶ جوان، ۱۱۴ میان‌سال و ۲۰ سالمند) با سطح تحصیلات دیپلم تا دکترا و مشاغل (محصل، دانشجو، آزاد، پزشک، استاد دانشگاه، معلم، خانه‌دار، مهندس) بوده‌اند که مکالمه‌های آن‌ها در بافت‌های گوناگون و موقعیت‌های طبیعی مورد بررسی قرار گرفته‌اند و زبانهنگ‌های مربوط به این سطح‌ها از مکالمه‌های آن‌ها استخراج شده‌اند. گردآوری داده‌ها تا زمانی ادامه یافت که داده‌های جدیدی از مکالمه‌ها به دست نیامد. شیوه تجزیه و تحلیل داده‌ها به این صورت بوده است که مکالمه‌های افراد مورد اشاره در بافت‌های اشاره‌شده ضبط و مشاهده گردید و پس از پیاده‌سازی بر روی کاغذ، عبارت‌های دل‌نگرانی به کاررفته در گفتار آن‌ها استخراج شد. پس از آن همه پاره‌گفتارهای گردآوری شده مربوط به دل‌نگرانی براساس الگوی مفهومی تحلیل زبانهنگ مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفتند. عبارت‌های مستخرج را دو استاد دانشگاه گرایش آموزش زبان بررسی کردند و پایایی بین آنان ۰/۹۶ بوده است. لازم به گفتن است به سبب گستردگی و گوناگونی نمونه‌های مربوط به این زبانهنگ‌ها، فقط به آوردن یک نمونه برای هر دسته‌بندی بسنده شده است.

## ۵. یافته‌های پژوهش

در این بخش نگارندگان به تحلیل و بررسی زبانهنگ دل‌نگرانی برای دیگری در پرتو الگوی مفهومی تحلیل زبانهنگ و سطوح سه‌گانه آن می‌پردازند.

### ۵-۱. بررسی زبانهنگ دل‌نگرانی برای دیگری براساس الگوی SPEAKING

**محیط و موقعیت استفاده:** سطح‌های گوناگون عبارت‌های دل‌نگرانی برای دیگری از هیچ‌دلی تا فرادلی در همه موقعیت‌های خصوصی و غیررسمی (مانند جمع‌های خانوادگی، مکالمه‌های تلفنی، مهمانی‌ها) و عمومی و رسمی (روزنامه‌ها، ادارات، مدارس، دانشگاه‌ها و موارد مشابه) به کار برده می‌شوند ولی در مکان‌های عمومی و رسمی فراوانی کاربرد آن‌ها در سطح برون‌دلی



بالا تر از دیگر سطح‌ها بوده است. در موقعیت‌های خصوصی و غیررسمی اگر مکالمه میان اعضای نزدیک خانواده و یا دو دوست صمیمی انجام گرفته باشد، درون‌دلی و فرادلی نیز مشاهده شده است. لازم به اشاره است که این زبانهنگ در محیط‌های مجازی و در متن پیام‌های تقدیر، تشکر و تسلیت به صورت موقعیتی عمومی رسمی/غیررسمی نیز از کاربرد زیادی برخوردار است. برای نمونه، در گروه خانوادگی تلگرام یکی از افراد حاضر در گروه دل‌نگرانی خود را نسبت به شنیدن خبر دزدیده شدن گوشی همراه یکی از افراد اینگونه بیان کرده است: «فدای سرت. خدا سلامتی رو از آدم نگیره. خدا رو شکر که خودت چیزیت نشده. مال جایگزین داره، چون آدم جایگزین نداره. ایشالا یکی بهتر شو می‌خری». این جمله‌ها نشان‌دهنده سطح برون‌دلی دل‌نگرانی در محیطی خصوصی و غیررسمی است که فرد تأسف خود را به صورت کلامی نشان می‌دهد و هم‌زمانی انجام گرفته است. لازم به اشاره است پیام‌های تسلیت منتشر شده در روزنامه را می‌توان از جمله نمونه‌های دل‌نگرانی در سطح برون‌دلی دانست که در محیطی عمومی و رسمی کاربرد دارند. برای نمونه: «خبر درگذشت پدر چنان سنگین و جانسوز است که به دشواری به باور می‌نشیند، ولی در برابر تقدیر حضرت پروردگار چاره‌ای جز تسلیم و رضا نیست. خداوند قهرین رحمتش فرماید».

**شرکت کنندگان:** افراد در موقعیت‌های هم‌تراز و رسمی مانند (دو استاد دانشگاه)، هم‌تراز و غیررسمی مانند (دو دوست صمیمی)، نابرابر و رسمی مانند (رئیس و کارمند اداره) و نابرابر و غیررسمی مانند (والدین و فرزند) از این زبانهنگ استفاده می‌کنند. برای نمونه:

- موقعیت هم‌تراز و رسمی: کارمندی به کارمند دیگر در فیلم سینمایی چنین گفته است: «ولش کن. ناراحت نباش. از کوزه همان برون تراود که در اوست. اینجور جاها اعتراض نتیجه‌ای نمی‌ده» که این عبارات نشان‌دهنده سطح برون‌دلی از دل‌نگرانی هستند که کارمند در واکنش به ناراحتی دوستش از رئیس اداره با او هم‌زمانی کرده است.

- موقعیت هم‌تراز و غیررسمی: در دانشگاه چند دوست در مورد نحوه درس خواندن برای امتحان چنین گفته‌اند: «زهره! تو که از همه حفظیات بهتره بیا ترو خدا برای ما هم توضیح بده» زهره نیز چنین پاسخ داده است: «باشه نگران نباشید. یک کاریش می‌کنیم. فردا قرار بذاریم، همینجا براتون توضیح می‌دم». این جمله‌های زهره نشان‌دهنده میزان درون‌دلی وی با مخاطبان بوده است.

- موقعیت نابرابر و رسمی: در مکالمه میان معلم و شاگردان در گروه تلگرام، وی در مورد عدم تحویل پروژه به آنان چنین تذکر داده است: «یک هفته دیگه فرصت اضافی می‌دم برای افرادی که هنوز پروژه را تحویل ندادند. برای بار چهارم هست که تذکر می‌دم. هرکی تحویل نداد

و نمره‌شواز دست داد، نیاد اعتراض کنه». این جمله‌ها نشان‌دهنده دل‌نگرانی معلم در سطح درون‌دلی است که برای شاگردان فرصت مازاد نیز در نظر گرفته‌است.

- موقعیت نابرابر و غیررسمی: مادر به فرزندش در سکانس یک فیلم چنین گفته‌است: «حقی که دیگه با زهره رفت و آمد کنی، نداری. هیچی حالت نیست. تو چی می‌فهمی! این دختر می‌تونه آینه‌تو تباه کنه». این جمله بیانگر میزان دل‌نگرانی مادر در سطح فرادلی است که آینده را فراتر از دخترش و لحظه حال می‌بیند و برای وی نگران است.

واکاوی داده‌ها نشان داد سطح‌های درون‌دلی و فرادلی بیشتر در مکالمه‌های موقعیت نابرابر و غیررسمی (با درصد فراوانی ۴۳ درصد) و هم‌تراز و غیررسمی (۳۷ درصد) رخ می‌دهند و در موقعیت‌های هم‌تراز و رسمی (۸ درصد) و نابرابر و رسمی (۱۲ درصد) بیشتر افراد بیشتر در سطح همزبانی (برون‌دلی) و حتی هیچ‌دلی نسبت به یکدیگر قرار دارند.

**اهداف:** بررسی داده‌ها نشان می‌دهد زباهنگ دل‌نگرانی نسبت به دیگری بیشتر با هدف‌های

زیر به کار می‌رود:

### جدول ۱: اهداف غالب زباهنگ دل‌نگرانی برای دیگری

ردیف	هدف	مثال زباهنگ	سطح زباهنگ
۱	دلسوزی کردن	دل‌م برات سوخت که گفتم، فردا باهم حتماً یه کاریش می‌کنیم.	درون‌دلی
۲	همدردی کردن	تسلیت مرا پذیرا باشید.	برون‌دلی
۳	نصیحت کردن	تو این سن آخه این چه وزنی هست تو داری. بیا از فردا بریم ورزش. برای سلامتی ضرر داره.	فرادلی
۴	سلب مسئولیت	ما سر پیازیم یا ته پیاز. بهتره دخالت نکنیم.	هیچ‌دلی
۵	تبرئه خود	از اول هم گفته بودم من هیچ کاره‌ام. تفصیر خودشه. ولش کن.	هیچ‌دلی
۶	تغییر در تصمیم	تصمیمتو تغییر بده. بالاخره بحث یه عمر زندگیه. الان کله‌ت داغه نمی‌فهمی. بیا با بزرگای فامیل هم مشورت کنیم.	فرادلی
۷	تحقیق کردن	تو یک الف بچه چه می‌فهمی من چی می‌گم. برو بشین درستو بخون، دخالت نکن تو این چیزا.	هیچ‌دلی
۸	تعارف کردن	پولی چیزی خواستی رو کمک ما حساب کن.	برون‌دلی
۹	شماقت و سرزنش	هرچی گفتم با این پسره نپر، گوش نکردی. از فردا حق بیرون رفتن نداری.	فرادلی

ردیف	هدف	مثال زیاهنگ	سطح زیاهنگ
۱۰	کمک و همیاری	شما که استاد جوان تری با من تو این پروژه همکاری کن شاید تو تبدیل وضعیت کمک کنه. منم این دوران رو گذروندم، درک می کنم.	فردالی
۱۱	فداکاری کردن	فردارو تو کامل استراحت کن؛ مراسم داشتید خسته ای. من به جات می رم.	درون دلی
۱۲	ابراز نگرانی	دیگه نتونستم دست دست کنم. گفتم پیام بهت سر بزنم.	درون دلی
۱۳	ابراز گلایه	چه گناهی کردم خدا تورو انداخته تو زندگی من. دست از سرم بردار.	هیچ دلی
۱۴	ابراز اعتراض	عجب آدم بی عاطفه ای شدی. واقعاً نمی خوای بهشون کمک کنیم؟	درون دلی
۱۵	حفظ آبرو	حالا اینبارو آبروشو بخر. جوونه و خام. آندش تباه می شه.	فردالی

**ترتیب عملکرد:** افرادی که از زیاهنگ دل نگرانی برای دیگری بهره می گیرند، در پی بیان میزان دغدغه مندی خود در همان چهار سطح هیچ دلی، برون دلی، درون دلی و فردالی به مخاطب هستند. بنابراین ترتیب گفتمان میان افراد براساس این ۴ سطح انجام می پذیرد. اگر فرد در سطح هیچ دلی باشد، تمایلی ندارد مخاطب برای انجام کار به او پافشاری کند؛ بنابراین از سمت گوینده، طفره روی دیده می شود. مانند: «ترو خدا دست از سر ما بردار. زندگی دیگران چه ربطی به ما داره». در سطح برون دلی، تنها همزبانی کلامی مشاهده می شود و مخاطب با شنیدن چنین جملاتی تنها ممکن است به تشکر زبانی اکتفا کند مانند: «خیلی ناراحت شدم شنیدم. ایشالا غم آخرت باشه» که به تشکر مخاطب می انجامد. در سطح درون دلی، از آنجایی که فعال محور است، مخاطب ممکن است با توجه به میزان صمیمیت خود با گوینده، از پیشنهاد و میزان دغدغه مندی او استقبال کند و با او همراه شود. در این مرحله چون درک شدن احساس از سمت گوینده وجود دارد، حتی اگر مخاطب پیشنهادش را نپذیرد، حس همدلی خوبی در گفتمان رد و بدل خواهد شد. مانند: «تو هم عین بچه خودمی. هروقت پول خواستی، به خودم بگو» که مخاطب در جواب می گوید: «واقعاً ازتون ممنونم عموجون. تا شمارو دارم غم ندارم. خدا حفظتون کنه». در سطح فردالی، ممکن است در آغاز امر، مخاطب از پیشنهاد گوینده حس ناخوشایندی داشته باشد، ولی پس از مدتی صلاح و میزان دغدغه مندی او را درک خواهد کرد. برای نمونه، کارمندی که از طرف رئیس مجموعه مجبور به گذراندن دوره کارورزی بدون حقوق شده است، نخست، ممکن است اعتراض کند و

۶۰ / بررسی زبانهنگ دل‌نگرانی برای دیگری در ایرانیان: از هیچ‌دلی تا فرادلی / پیش‌قدم و ...

چنین بگوید: «کاش یک کم شما هم وضعیت منو درک می‌کردید» که رئیس در پاسخ به او می‌گوید: «بسیار سفر باید، تا پخته شود خامی».

**لحن:** این زبانهنگ با لحن‌های متعدد و در بافت‌های گوناگون به کار می‌رود:

### جدول ۲: لحن‌های غالب زبانهنگ دل‌نگرانی برای دیگری

سطح زبانهنگ	مثال زبانهنگ	درصد فراوانی	لحن	ردیف
برون‌دلی	الهی دیگه غم نبینی. درکت می‌کنم چقدر سخته.	٪ ۱۸	همدردی	۱
درون‌دلی	عزیز دلم تو مثل دخترم می‌مونی. تعارف نکن با من. فردا میام دنبالت بریم.	٪ ۱۳	دلسوزانه	۲
هیچ‌دلی	به ما چه. مگه ما باید تو هر کاری دخالت کنیم!؟	٪ ۱۳	بازدارنده	۳
درون‌دلی	خودم مثل کوه پشتتم داداش. غصه هیچی رو نخور. تا منو داری، غم نداری.	٪ ۹	حمایتی	۴
فرادلی	بیا و به حرف این پدر پیرت گوش کن. خیرت در همینه. پدر و مادر هیچوقت بد بچه‌شونو نمی‌خوان.	٪ ۸	نصیحت‌آمیز	۵
فرادلی	از این بچه هیچی درنمیاد. فردا برو ثبت‌نامش کن یک مدرسه درست حسابی. آیندشو از آخر تباہ می‌کنه.	٪ ۷	تحقیرآمیز	۶
درون‌دلی	ترو خدا هرچی هست، به منم بگو. باید حلش کنیم.	٪ ۵	ملتمسانه	۷
درون‌دلی	حالا دیگه اینقدر غریبه شدیم که به ما چیزی نمی‌گی؟ بیا این چک رو بگیر.	٪ ۴	اعتراض‌آمیز	۸
درون‌دلی	بهت قول می‌دم خودم برات درستش کنم. نگران نباش.	٪ ۴	اطمینان‌دهنده	۹
برون‌دلی	شما جون هم بخواین ما در خدمتیم قربان. تعارف نکنیا.	٪ ۳	اغراق‌آمیز	۱۰
درون‌دلی	نمی‌دونم کار درستیه بریم کمکشون یا نه؟ منکه دلم نمیاد ساکت بشینم. نمی‌شه دست روی دست گذاشت.	٪ ۳	تردیدآمیز	۱۱
فرادلی	چرا نمی‌فهمی که نباید خودتو قاطی مسائل سیاسی کنی!؟	٪ ۳	عصبانی	۱۲
هیچ‌دلی	کاری از دست هیچ‌کسی برنمیاد. بی‌خیال شید.	٪ ۳	ناامیدانه	۱۳
برون‌دلی	حالا مشکلی پیش اومد، مارو هم در جریان بذارید.	٪ ۲	تعارف‌آمیز	۱۴
هیچ‌دلی	آدم می‌ترسه تو این دوره ز نمونه برای کسی قدم برداره.	٪ ۲	ترس‌آلود	۱۵

سطح زباهنگ	مثال زباهنگ	درصد فراوانی	لحن	ردیف
هیچ دلی	لعنت به من اگر واسه کسی دیگه کاری بکنم.	۱٪	نفرین آمیز	۱۶
درون دلی	قول می دی مشکلی واست پیش اومد، اولین نفر به خودم بگی؟	۱٪	پرسشی	۱۷
فرا دلی	در عجبم تو چرا اینقدر سرت به سنگ می خوره آدم نمی شی؟ بس کن دیگه! اینقدر با زندگیت بازی نکن! به حرف پدر پیرت گوش کن.	۱٪	متعجبانه	۱۸

**ابزار گفتمان:** با توجه به رشد استفاده از فضاهای مجازی مانند تلگرام، واتساپ، اینستاگرام و مانند آن، این زباهنگ به هر دو صورت گفتاری (در مکالمات شفاهی) و نوشتاری به تکرار به کار می رود. جمله‌هایی که در روزنامه و فضاهای مجازی برای تسلیت، تقدیر و تشکر و درخواست همکاری به کار می روند، نشان دهنده نوع نوشتاری این زباهنگ هستند مانند: «از صمیم قلبم می گویم که دختر شما همانند دختر خودم است»؛ «با همه وجودم از شنیدن این خبر متأثر و متأسف شدم». لازم به اشاره است این زباهنگ بارها در نوشته‌ها و شعرهای شاعران نیز دیده می شود. بیت‌هایی مانند «تو کز محنت دیگران بی غمی نشاید که نامند نهند آدمی»؛ «بنی آدم اعضای یکدیگرند/ که در آفرینش ز یک گوهرند/ چو عضوی به درد آورد روزگار/ دگر عضوها را نماند قرار» نشان دهنده نوع نوشتاری این زباهنگ است. گونه گفتاری آن نیز جمله‌هایی است که در جدول‌های (۱) و (۲) ارائه شده‌اند.

**قوانین گفتمان:** به طور کلی به کاربردن این عبارت‌های زبانی در کلام، نشان دهنده هیجانان، عواطف و میزان دغدغه‌مندی افراد نسبت به یکدیگر است که می تواند بیانگر هنجارهای اجتماعی جمع‌گرایی «غصه نخور همه با هم یک کاریش می کنیم»؛ خانواده دوستی «اگر خانواده در این شرایط به دردت نخوره، پس کسی باید بخوره»؛ نوع دوستی «چقدر خوبه آدم هموطن خودش رو در مملکت غریب ببینه؛ این جا فقط ایرانیا هستن که به درد هم می خورن»؛ اتحاد و همدلی «یک دست صلا نداره» باشد که همان گونه که پیش از این بیان شد، می توانند در سطح‌های متفاوت بی تفاوتی (هیچ دلی) تا دغدغه‌مندی زیاد (فرا دلی) با اهداف و لحن‌های متفاوت به کار روند. لازم به اشاره است سطح هیچ دلی معمولاً در میان افراد غریبه نسبت به یکدیگر و یا افرادی که به طریقی با هم دشمنی دارند، رایج تر است. بنابراین، جمله‌های مربوط به این سطح معمولاً با بی تفاوتی، رک گویی و آشکارا بیان می شوند. در مقابل، سطح درون دلی و فرا دلی بیشتر

در میان افراد دارای روابط صمیمی و دوستانه و افراد یا اعضای خانواده که نسبت به هم احساس مسئولیت و دل‌نگرانی بیشتری دارند، دیده می‌شود. از این رو، این جمله‌ها با شور و هیجان بیشتری در سطح کلام و حتی عملکرد جاری هستند. در واقع، در این سطح‌ها فرد دیگری را مانند خود تجسم کرده، مشکل او را نیز مانند مشکل خود می‌پندارد و برای از بین بردن آن بسیار می‌کوشد. فرد در سطح هیچ‌دلی حالتی منفعل دارد، در سطح برون‌دلی فقط در سطح کلامی و هم‌زبانی فعال است که می‌تواند حتی به زبان‌بازی، تعارف و چاخان نیز منجر شود، سطح درون‌دلی فعالیت‌محور است و فرد می‌کوشد تا به فرد مقابل کمک کند و در آخرین سطح، دغدغه‌مندی گوینده حتی ممکن است از مخاطب بیشتر باشد و فراتر از لحظه حال برای او دل‌نگرانی داشته باشد. بنابراین، میزان فداکاری او نیز در این مرحله بیشتر است و در وهله اول ممکن است درک آن برای مخاطب آسان نباشد و حتی سبب آزرده‌گی خاطر او گردد.

**نوع گفتمان:** زبانهنگ دل‌نگرانی برای دیگری در گونه‌های مختلف گفتمان مانند مکالمه‌های شفاهی، نثر، مثل، شعر، داستان و فیلم و مانند آن کاربرد بسیاری دارد. برای نمونه، جمله‌هایی مانند «دوری و دوستی»، «با کفش‌های دیگری قدم زدن»، «همدلی از هم‌زبانی بهتر است»، نشان‌دهنده کاربرد این زبانهنگ در مثل‌هاست. لازم به اشاره است زبانهنگ دل‌نگرانی برای دیگری در گذشته به‌ویژه در متون (نظم و نثر) بیشتر در سطح درون‌دلی و حتی فرادلی بوده است. این امر نشان می‌دهد در متون گذشته افراد دغدغه‌مندی بیشتری نسبت به فرد مقابل خود داشته‌اند و حتی دیگران را نیز به این کار تشویق می‌کردند. شعرهای بسیاری درباره همدلی، اتحاد و همیاری سروده شده‌است مانند: «اتحاد یار با یاران خوشست/ پای معنی گیر صورت سرکشست»؛ «دو روزی است همراهی جسم با جان/ رفیقی طلب کن که بر جانمانی»؛ «ولی همراهی و با تو بسازم/ که چشم من به روی توست روشن» و موارد مشابه.

## ۲-۵. بررسی زبانهنگ دل‌نگرانی برای دیگری براساس الگوی هیجامد

بررسی پاره‌گفتارهای مربوط به دل‌نگرانی برای دیگری نشان داد که با توجه به فرهنگ نوع‌دوستی ایرانیان، افراد در زندگی روزمره خود و در بافت‌های تعاملی اجتماعی، تحصیلی، حرفه‌ای و مانند آن، بارها این زبانهنگ را در گفته‌های خود به کار می‌برند. بنابراین فراوانی تکرار آن در فرهنگ ایرانی بسیار است و پاره‌گفتارهای مربوط به دل‌نگرانی در سطح درون‌آگاهی مردم ایران قرار دارد (یعنی آشنایی کامل به این زبانهنگ دارند و حس و هیجان‌شان نسبت به آن بالا است). باید اشاره کرد در گذشته دور افراد دغدغه‌مندی بیشتری نسبت به یک‌دیگر داشته‌اند (میزان درون‌دلی و

فردالی در گذشته بیشتر بوده است) و افراد تمایل بیشتری به از بین بردن گرفتاری‌های دیگران داشته‌اند. ولی با افزایش مشکلات جامعه به مرور زمان امروزه سطح هیچ‌دلی و برون‌دلی که همسو با سطح‌های هیچ‌آگاهی و برون‌آگاهی است، بیشتر از درون‌دلی و فردالی افزایش یافته‌است. این به آن معناست که افراد بیشتر هم‌زبانی را به نسبت همدلی ترجیح می‌دهند که میزان دغدغه‌مندی و دل‌نگرانی فقط در سطح کلامی و سطحی بروز می‌یابد.

### ۳-۵. بررسی الگوهای فرهنگی زباهنگ دل‌نگرانی برای دیگری

در سطح هیچ‌دلی به نظر می‌رسد افراد هنگامی که خود در مورد موضوعی تخصص ندارند و یا در مورد شرایط ناآگاه هستند، ترجیح می‌دهند خود را درگیر موضوع مورد نظر نکنند (Nall, 2019). از این جنبه، این سطح را می‌توان تأییدی بر ابهام‌گریزی قوی دانست که در آن فرد در هنگام رویارویی با شرایط ناشناخته یا مسائلی که آگاهی زیادی در مورد آن ندارد، دلهره بالا، هیجان زیاد و نگرانی را تجربه می‌کند؛ بنابراین ترجیح می‌دهد از آن بگریزد. جمله‌هایی مانند «به ما چه!»؛ «مگه ما پلیس محله هستیم»، «اما سر پیازیم یا ته پیاز!»؛ «خودتوقاطی هر آتش نکن»، نشان‌دهنده این الگوی فرهنگی هستند که حتی سبب می‌شوند فرد در برابر مشکلات دیگران به راحتی گذر کرده و برچسب‌هایی مانند بی‌عاطفه، سنگدل و مانند آن نیز به او نسبت داده شود.

از سوی دیگر، سطح‌های برون‌دلی، درون‌دلی و فردالی تأییدی بر فرهنگ جمع‌گرایی ایرانیان است که فرد دیگری را بر خود ترجیح داده و تلاش می‌کند به او ولو در سطح هم‌زبانی و به صورت کلامی، یاری برساند. سطح برون‌دلی از آن‌جا که فقط در اندازه‌ی واژه و کلام است و کنشی مشاهده نمی‌شود، می‌تواند نوعی تعارف و غیرمستقیم‌گویی<sup>۱</sup> را در پی داشته باشد که اگر از اندازه متعادل خارج شود، به اغراق‌افزودگی<sup>۲</sup> و زبان‌بازی نیز می‌انجامد مانند: «مرگ من تعارف نکنی ها!»؛ «با همه وجودم غصه خوردم». سطح درون‌دلی، جهت‌گیری بلندمدت<sup>۳</sup> فرد را نشان می‌دهد که فراتر از لحظه حال مخاطب را می‌بیند و با آینده‌نگری برای او دلسوزی می‌کند و گام برمی‌دارد مانند «بیا این پول رو بگیر و فردا برو برای خودت حساب باز کن. بالاخره تو هم باید مستقل بشی». افزون‌براین، از آن‌جا که افراد در فرهنگ ایرانی به راحتی با یک‌دیگر درددل می‌کنند (Pishghadam & Ebrahimi, 2020)، معمولاً دغدغه خود را با دیگران در میان می‌گذارند و فرد مقابل هم می‌کوشد راه‌حلی برای این دغدغه بیابد. بنابراین، زباهنگ مورد اشاره، نشان‌دهنده

<sup>1</sup> indirectness

<sup>2</sup> overstating

<sup>3</sup> long-term orientation

فرهنگ هلویی<sup>۱</sup> ایرانیان نیز است. در این فرهنگ‌ها افراد در محیط بیرون با غریبه‌ها مشکلی ندارند و با همه به راحتی ارتباط برقرار می‌کنند. آنان افرادی انعطاف‌پذیر، با برخوردی دوستانه و گشاده‌رو هستند، ولی همانند هلو که هسته‌ای سخت دارد، صمیمیتشان، عمیق و درونی نیست و با وجود صمیمی شدن با افراد دیگر، از دنیای درونی خود نیز محافظت می‌کنند (Meyer, 2014). لازم به گفتن است سطح هیچ‌دلی و برون‌دلی اعتماد زیاد به فرد را در بر ندارد ولی در سطح درون‌دلی و به‌ویژه فرادلی، باید اعتماد بسیاری میان گوینده و مخاطب برای حل مشکل و نگرانی وجود داشته باشد.

## ۶. بحث و نتیجه‌گیری

از آنجایی که انسان موجودی اجتماعی است، گسترش روابط بین‌فردی و تداوم بخشیدن به آن همواره از مسائل مهم زندگی او به شمار می‌رفته است. یکی از فرایندهای تحول‌بهنجار انسان، چگونگی رشد ظرفیت ادراک دیگران از زاویه خود فرد است. مواردی همچون همدلی و نشان دادن دل‌نگرانی و دغدغه‌مندی نسبت به مسائل دیگران، انسان را در راه رسیدن به کمال کمک می‌کند و از هنگام تولد این ویژگی در او حضور داشته و در دوران‌های نوجوانی و جوانی به تکامل خود می‌رسد (Hanania et al., 2000). دل‌نگرانی نسبت به دیگری پدیده‌ای چندبُعدی و پیچیده است که از کنش‌های دگرخواهانه<sup>۲</sup> است و از اوایل قرن بیستم نظر پژوهشگران گوناگونی در حوزه‌های روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، زبان‌شناسی و مانند آن را به خود جلب کرده است. از دیدگاه توانایی درک حالات عاطفی و شناختی و تجربه هیجانات مشابه با دیگران، می‌توان سطوحی از هیچ‌دلی، برون‌دلی (هم‌زبانی/هم‌دردی)، درون‌دلی (همدلی) و فرادلی را در نظر گرفت که دنیای افراد را به یک‌دیگر پیوند می‌زند. در فرهنگ ایران به‌عنوان کشوری جمع‌گرا (Pishghadam, 2013)، فرهنگ «ما» بودن بیشتر از «من» بودن اهمیت دارد. بنابراین، در گذشته هنگامی که برای فردی مشکلی پیش می‌آمده است، تلاش می‌شده در جمع‌های کوچک خانوادگی و قبیله‌ای به آن‌ها رسیدگی شود و روابط همواره از اهمیت بسیاری برخوردار بوده است (Pishghadam & Ebrahimi, 2024). امروزه نیز تأثیر رسانه و محیط مجازی و در دسترس بودن پل‌های ارتباطی آسان، میزان ارتباط افراد، رسیدگی به امور و احوال‌پرسی از یک‌دیگر را راحت‌تر کرده است و افراد با ردوبدل کردن عبارت‌های زبانی، میزان دل‌نگرانی خود به دیگری را نشان می‌دهند. با توجه به اهمیت رابطه میان زبان و فرهنگ (Langacker, 1994)، با

<sup>1</sup> peach culture

<sup>2</sup> altruistic action



بررسی زبانهنگ‌های یک زبان می‌توان به فرهنگ نهفته در پشت این عبارات‌های زبانی دست یافت (Ebrahimi & Jahani, 2023). از این رو، در پژوهش حاضر برای واکاوی و موشکافی در زبانهنگ دل‌نگرانی نسبت به دیگری و آشکارسازی فرهنگ نهفته در زبان آن، نگارندگان به بررسی ۴۴۸ پاره‌گفتار به‌دست‌آمده از ۳۰ فیلم و سریال با ژانر اجتماعی و ۲۱۱ پاره‌گفتار گردآوری شده از مکالمه‌های افراد (با بازه سنی ۱۸ تا ۶۹ سال) در مکان‌های عمومی، خصوصی و فضای مجازی پرداختند.

یافته‌های بررسی داده‌ها براساس الگوی مفهومی تحلیل زبانهنگ نشان داد که افراد در همه مکان‌های عمومی و خصوصی رسمی/غیررسمی با هدف‌های متفاوتی مانند دلسوزی، نصیحت، کمک و همیاری، سلب مسئولیت و تبرئه خود، تغییر در تصمیم، تحقیر کردن، نکوهش و سرزنش، فداکاری، اعتراض، ابراز نگرانی، گلایه کردن، حفظ آبرو و مانند آن از عبارات مربوط به دل‌نگرانی برای دیگری بهره می‌گیرند و هیجانات افراد جامعه نسبت به این زبانهنگ‌ها در سطح درون‌آگاهی قرار دارد؛ ولی نکته قابل توجه این است که فراوانی کاربرد آن‌ها در این محیط‌های جامعه بیشتر حالت برون‌دلی دارد. یعنی، افراد در سطح هم‌زبانی با فرد همسو می‌شوند و می‌کوشند او را فقط در سطح کلامی دلداری داده یا با او هم‌دردی نمایند. این امر در تأیید تعارف‌گرایی ایرانیان (Koutlaki, 2002) و جمع‌گرایی آن‌ها است (Pishghadam & Ebrahimi, 2024). در واقع، در جوامعی که روابط محور<sup>۱</sup> هستند، افراد به یکدیگر اعتماد احساسی پیدا می‌کنند (Meyer, 2014) و در این جوامع دغدغه‌مندی نسبت به دیگران حتی در سطح کلامی، اجازه برقراری تماس مؤثر با محیط اجتماعی پیرامون را به فرد می‌دهد و افراد حتی در سطح کلامی تلاش می‌کنند به دیگری دلداری دهند تا از آسیب وارد کردن فردی که دارای مشکل است نسبت به خودش، جلوگیری کنند (Mohammadaminzadeh et al., 2017). در سطح برون‌دلی، زبانهنگ‌های دل‌نگرانی می‌توانند در اندازه تعارفات و همان قربان‌صدقه‌رفتن‌ها در کلام ایرانیان باشند که ممکن است به دو صورت حقیقی و از سر دلسوزی یا به صورت صوری و از نوع تعارف غیرواقعی و چاخان اتفاق بیفتند (Izadi, 2015). در واقع گوینده با کاربرد این عبارات‌ها می‌کوشد با ابراز دغدغه‌مندی توجه مخاطب را جلب کند یا جایگاه او را ارتقا ببخشد. فراستخواه (Ferastkxah, 2014) بر این باور است در جوامعی که ساختار باز و شفاف وجود نداشته باشد، افراد ممکن است به تعارف روی بیاورند. در چنین فرهنگی ممکن است قضاوت نیز بسیار رخ دهد که نمود آن در همه سطوح دل‌نگرانی موجود است. در واقع فرد به بهانه دل‌نگرانی و دغدغه‌مندی

<sup>1</sup> relationship-based

به خود اجازه می‌دهد که رفتار و گفتار دیگران را مورد ارزشیابی شخصی قرار دهد و این امر در سطح برون‌دلی، بارها دیده شده‌است.

از سوی دیگر، یافته‌ها نشان می‌دهند که امروزه برخلاف گذشته که تمایل به جمع‌گرایی و جمع‌های دوستانه و خانوادگی بیشتر بود، بیشتر افراد می‌کوشند در زندگی دیگران دخالت بسیاری نداشته باشند؛ بنابراین در بحث‌های زیادی از سطح هیچ‌دلی نیز بهره گرفته شده‌است. این امر حتی به آثار ادبی و اشعار زبان فارسی نیز نفوذ کرده و واژگانی مانند *تیره‌دل*، *بی‌عاطفه*، *دل‌مرده*، *سیاه‌دل*، *سنگدل* و مانند آن بارها در این آثار دیده می‌شود. شاید این امر را بتوان به حرکت از جمع‌گرایی به سمت فردگرایی ایرانیان نسبت داد که می‌کوشند برای خود هویتی مستقل داشته باشند و امروزه در امور مربوط به دیگران دخالت زیادی نکنند؛ ولی در روابطی که دارای فاصله نزدیک و صمیمی با یکدیگر یا همسالان که نسبت به یکدیگر دل‌نگران و همدل هستند (Turriel & Eisenberg, 1998) یا در رابطه حمایتی و ذاتی میان والدین و فرزندان، میزان دغدغه‌مندی در سطح فرادلی و درون‌دلی بیشتر بوده‌است. این امر در راستای پژوهش گاربر و همکاران (Garber et al., 1997) است که بر این باورند حمایت ذاتی والدین از نوجوان سبب ایجاد جوی عاطفی و رشد و پرورش همدلی و سطوح بالاتر آن می‌شود. البته پیش‌قدم (Pishghadam, 2022) بر این باور است در سطح فرادلی برای مخاطب ممکن است در ابتدا پذیرش دشوار باشد و ناسازگاری میان گوینده و مخاطب به وجود آید؛ یعنی گوینده نگران آینده مخاطب خود است و در سطحی بالاتر تمایل دارد وی را از موقعیتی که احساس می‌کند برایش خطرناک است، نجات دهد اما مخاطب از این وضعیت ناراحت است و تمایل چندانی به این کار ندارد. همچنین باید به این نکته توجه داشت که بیان دل‌نگرانی نسبت به دیگری نوعی مداخله و حریم‌شکنی در کار او به حساب نیاید و همواره حریم شخصی افراد نیز مورد احترام قرار گیرد.

روی هم‌رفته، از آنجایی که فرهنگ همچون ژنی قابل انتقال از یک نسل به نسل دیگر است و تأثیر بسیاری در سرنوشت افراد دارد (Ferastkhah, 2014)، اگر زباهنگ دل‌نگرانی برای دیگری در سطح‌های درون‌دلی و فرادلی در جامعه به شیوه‌ای درست رواج داده شود و سواد اجتماعی نسبت به آن افزایش پیدا کند، به‌عنوان یک ژن فرهنگی سالم، رفتارهای خوب را شاهد خواهیم بود و افراد سلامت اجتماعی و روانی بیشتری خواهند داشت. همان‌گونه که غلامی و همکاران (Gholami et al., 2021) نیز بر این باورند با برنامه‌سازمان‌یافته می‌توان مهارت‌هایی مانند همدلی را افزایش داد و امکان رشد افراد از طریق آموزش این مهارت‌ها وجود دارد. پیشنهاد می‌شود میزان سطح درون‌دلی و فرادلی در گروه‌های مختلف جامعه ایران و نیز مقایسه آن با دیگر

جوامع مورد بررسی و موشکافی بیشتر قرار گیرد و زبانهنگ‌های آموزشی، تربیتی و حرفه‌ای دل‌نگرانی نیز مورد بحث و بررسی قرار گیرند. از سوی دیگر، باید توجه داشت که تحلیل زبانهنگی می‌کوشد تا فرهنگی را که از طریق زبان در قالب محاوره، داستان، شعر و مثل‌ها منتقل می‌شود بشناسد، ژن‌های معیوب را استخراج کند و آگاهی مردم را نسبت به آن بالا ببرد و در صورت نیاز پیشنهادهایی برای مهندسی و تغییر آن ارائه دهد (Pishghadam & Ebrahimi, 2024). بنابراین، با واکاوی تحلیل زبانهنگی در اشعار، موسیقی و آثار ادبی کنونی می‌توان ریشه و دلیل کم‌رنگ شدن سطوح درون‌دلی و فرادلی را در جامعه ریشه‌یابی کرد و برای ترمیم و رواج آنان راهکارهایی پیشنهاد داد.

### فهرست منابع

- ابراهیمی، شیما و زهرا جهانی (۱۴۰۰). «الگوی مفهومی تحلیل زبانهنگ روشی مؤثر در معرفی فرهنگ ایرانیان به غیرفارسی‌زبانان (مطالعه موردی: زبانهنگ مرگ‌اندیشی در شاهنامه فردوسی)». *پرویه‌نامه آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان*. دوره ۱۰، شماره ۲، صص ۱۰۵-۱۳۵.
- <https://doi.org/10.30479/jtjpsol.2021.15104.1521>
- ابراهیمی، شیما و زهرا جهانی (۱۴۰۱). بررسی نقش زبانهنگ‌های آموزشی در تدریس زبان و ادبیات فارسی (مطالعه موردی: دانش‌اندوزی). *آموزش‌پژوهشی*، دوره ۸، شماره ۳۲، صص ۳۳-۴۹.
- Retrieved from <<https://sid.ir/paper/1032096/fa>>
- ابراهیمی، شیما و زهرا جهانی (۱۴۰۲). «معرفی الگوی روایت‌محور هیجانی در بازنگری کتاب‌های تاریخ زبان فارسی». *زبان‌پژوهی*، دوره ۱۴، شماره ۴۳، صص ۱۵۵-۱۸۸.
- <https://doi.org/10.22051/jlr.2021.33856.1947>
- بهنام، رسول و هانیه رجب‌زاده (۱۳۹۵). «جستاری در کارکردهای همدلی و همدردی در دیوان صائب به عنوان یکی از مهارت‌های اساسی ایجاد ارتباط مؤثر در مشاوره». *مجله نخبگان علوم و مهندسی*. دوره ۱، شماره ۲، صص ۴۴-۵۷.
- Retrieved from <<https://elitesjournal.ir/fa/page.php?rid=48>>
- بیرامی، منصور، داوود جعفری و محسن بهرامی (۱۳۹۳). «رابطه بین مؤلفه‌های همدلی با شادکامی در جمعیت دانشجویی». *روان‌شناسی*. دوره ۱۸، شماره ۳، صص ۲۸۰-۲۹۱.
- Retrieved from <<https://www.magiran.com/paper/1319967>>
- پیش‌قدم، رضا (۱۳۹۱). «معرفی زبانهنگ به‌عنوان ابزاری تحول‌گرا در فرهنگ کاوی زبان». *مطالعات زبان و ترجمه*. شماره ۴، صص ۴۷-۶۲.
- Retrieved from <<https://profdoc.um.ac.ir/articles/a/1039447.pdf>>
- پیش‌قدم، رضا و فاطمه وحیدنیا (۱۳۹۴). «کاربردهای دعا در فیلم‌های فارسی و انگلیسی در پرتو الگو هایمز». *جستارهای زبانی*. دوره ۷، شماره ۲۸، صص ۵۳-۷۲.

Retrieved from <<http://lrr.modares.ac.ir/article-14-4402-fa.html>>

پیش‌قدم، رضا، شیما ابراهیمی و مریم‌سادات طباطبائیان (۱۳۹۸). رویکردی نوین به روان‌شناسی آموزش زبان. انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.

Retrieved from <[https://press.um.ac.ir/index.php?option=com\\_k2&view=item&id=910&tg=press&Itemid=718&lang=fa](https://press.um.ac.ir/index.php?option=com_k2&view=item&id=910&tg=press&Itemid=718&lang=fa)>

ترکمن ملایری، مهدی و راضیه شیخ‌الاسلامی (۱۳۹۸). «همدلی و رفتارهای جامعه‌پسند: نقش واسطه‌ای هیجان‌های اخلاقی». *روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی*. دوره ۱۵. شماره ۵۹. صص ۲۶۱-۲۷۱.

Retrieved from <<http://ensani.ir/file/download/article/1581768054-10219-59-4.pdf>>

خردمند، سعید، محمدرضا جلالی و حسن شمس اسفندآباد (۱۳۹۷). «مقایسه همدلی شناختی و عاطفی، در دو گروه دارای سبک شخصیت جرات‌ورز و ضداجتماعی». *تازه‌های علوم شناختی*. دوره ۲۰. شماره ۳. صص ۱۱۴-۱۲۶.

Retrieved from <<http://icssjournal.ir/article-1-799-fa.html>>

سلطانی‌عظمت، ابراهیم، ابوالفضل محدیان، مریم کامی، مریم جبرئیلی و بهروز دولتشاهی (۱۳۹۵). «مقایسه نظریه ذهن و همدلی در دانشجویان پسر و دختر در دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی تهران». *شفای خاتم*. دوره ۴. شماره ۲. صص ۱۹-۲۶.

Retrieved from <<http://shfayekhatam.ir/article-1-936-fa.html>>

غلامی، سمیه، ساره احمدی و حکیمه حرمتی (۱۴۰۰). طراحی الگوی درسی (آموزش) مهارت‌های همدلی در دوره متوسطه و ارزیابی اثربخشی آن. مدیریت و برنامه‌ریزی در نظام‌های آموزشی. دوره ۱۴. شماره ۱. صص ۳۱۱-۳۴۰. <https://doi.org/10.52547/MPES.14.1.311>

فراستخواه، مقصود (۱۳۹۴). *ما ایرانیان: زمینه‌کاوی تاریخی و اجتماعی خلیقات ایرانی*. نشر نی.

کهنوجی، مرضیه (۱۳۹۵). «بررسی ابعاد همدلی در بین اعضای هیأت علمی دارای پست‌های مدیریتی با توجه به نقش جنسیتی (مطالعه موردی: دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان)». *مطالعات منابع انسانی*. دوره ۵. شماره ۲۰. صص ۱۷۱-۱۸۶.

Retrieved from <[https://www.jhrs.ir/article\\_65340.html?lang=fa](https://www.jhrs.ir/article_65340.html?lang=fa)>

محمدامین‌زاده، دانا، سمیه کاظمیان، معصومه اسماعیلی و یوسف اسمری (۱۳۹۶). پیش‌بینی همدلی ادراک شده براساس طرح‌واره‌های هیجانی و تاب‌آوری در مادران دارای فرزند کم‌توان جسمی حرکتی. *توانبخشی*، دوره ۱۸. شماره ۲. صص ۱۴۲-۱۵۳.

Retrieved from <<http://rehabilitationj.uswr.ac.ir/article-1-2059-fa.html>>

یاری‌قلی، بهبود و جعفر بهادری‌خسروشاهی (۱۳۹۷). «بررسی تطبیقی مفهوم همدلی از منظر روان‌شناسی و مبانی اسلامی». *سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت*، دوره ۲. شماره ۳. صص ۱۵۵-۱۶۳.

Retrieved from <[https://www.islamiilife.com/article\\_188143\\_5aab2c2813cb5c546f6ad1a8daefadaa.pdf](https://www.islamiilife.com/article_188143_5aab2c2813cb5c546f6ad1a8daefadaa.pdf)>

## References

- Andreoni, J., Rao, J. M., & Trachtman, H. (2016). Avoiding the ask: A field experiment on altruism, empathy, and charitable giving. *Journal of Political Economy*, 125(3), 625-653. <https://doi.org/10.1086/691703>
- Ariyaratne, D., & Hulathduwa, S. R. (2015). Implications of sympathy, empathy and apathy in medico-legal practice. *Sri Lanka Journal of Forensic Medicine, Science & Law*, 6(1), 21-24. <https://doi.org/10.4038/sljfmsl.v6i1.7759>
- Behnam, R., & Rajabzadeh, H. (2016). Investigating the functions of empathy and sympathy in Saeb Divan as one of the basic skills to create effective communication in counseling. *Journal of Science and Engineering Elites*, 1(2), 44-57. <https://elitesjournal.ir/fa/page.php?rid=48> [In Persian]
- Beyrami, M., Jafari, D., & Bahram, M. (2014). Relationship between empathy elements and happiness in university students. *Journal of Psychology*, 18(3), 280-291. <https://www.magiran.com/paper/1319967> [In Persian]
- Brown, H. D. (1994). *Principles of language learning and teaching*. Prentice Hall Regents.
- Dahl, G. (2004). Qualitative analysis of films: Cultural processes in the mirror of film. *Forum: Qualitative Social Research*, 5(2), 1-43. <https://www.qualitative-research.net/index.php/fqs/article/view/593/1288>
- Ebrahimi, S., & Jahani, Z. (2021). The cultuling" analysis model as an effective approach in teaching Iranian culture to non-Persian speakers: The case of the cultuling of mortal thoughts in the Shahnameh. *Journal of Teaching Persian to Speakers of Other Languages*, 10(2), 105-135. <https://doi.org/10.30479/jtpsol.2021.15104.1521> [In Persian]
- Ebrahimi, S., & Jahani, Z. (2022). Introducing the narrative-based emotioncy model in updating and revising the content of coursebooks featuring history of Persian language. *Zabanpazhuhi (Journal of Language Research)*, 14(43), 155-188 <https://doi.org/10.22051/jlr.2021.33856.1947> [In Persian]
- Ebrahimi, S., & Jahani, Z. (2023). An investigation into the role of educational cultulings in teaching Persian language and literature: The case of accumulating knowledge. *Journal of Education Studies*, 8(32), 33-49. <https://sid.ir/paper/1032096/fa>
- Ferastkhah, M. (2014). *We Iranians: Historical and social research of Iranian people*. Ney Publishing. [In Persian]
- Garber, J., Robinson, N. S., & Valentiner, D. (1997). The relation between parenting and adolescent depression: Self-worth as a mediator. *Journal of Adolescent Research*, 12(1), 12-33. <https://doi.org/10.1177/0743554897121003>
- Gholami, S., Ahmadi, S., & Hormati, H. (2021). Designing a curriculum model (teaching) empathy skill in the secondary schools and evaluating its effectiveness. *Journal of Management and Planning in Educational Systems*, 14(1), 311-340. <https://doi.org/10.52547/MPES.14.1.311> [In Persian]
- Hanania, R. R., Rossangle, N. B., Higgins, A., & Alessandro, D. (2000). Development of self and empathy in early infancy, implications atypical. *Journal of Infant and Young Children*, 13(1), 1-13. <https://doi.org/10.1097/00001163-200013010-00004>
- Hofstede, G. (1983). National cultures in four dimensions: A research-based theory of cultural differences among nations. *International Studies of Management & Organization*, 13(1-2), 46-74. <http://www.jstor.org/stable/40396953>

- Hymes, D. (1967). Models of interaction of language and social setting. *Journal of Social Issues*, 33(2), 8-28.  
<https://doi.org/10.1111/j.1540-4560.1967.tb00572.x>
- Hymes, D. (1972). Models of the interaction of language and social life. In J. J. Gumperz and D. Hymes (Eds.) *Directions in sociolinguistics: The ethnography of communication*. (pp. 35-71). Holt, Rinehart & Winston.  
[https://nimshav.github.io/EthnoComm-Repository/EOC\\_Library/Hymes%20-%201972%20-%20Models%20of%20the%20interaction%20of%20language%20and%20social%20life.pdf](https://nimshav.github.io/EthnoComm-Repository/EOC_Library/Hymes%20-%201972%20-%20Models%20of%20the%20interaction%20of%20language%20and%20social%20life.pdf)
- Hymes, D. (1974). *Foundations in sociolinguistics: An ethnographic approach*. USA: University of Pennsylvania Press.  
<https://doi.org/10.4324/9781315888835>
- Hymes, D. (1975). Breakthrough into performance. In Ben-Amos, D. & Goldstein, K. S. (Eds.) *Folklore: Performance and communication* (pp.11-74). Mouton.
- Izadi, A. (2015). Persian honorifics and im/politeness as social practice. *Journal of Pragmatics*, 85, 85-95. <https://doi.org/10.1016/j.pragma.2015.06.002>
- Kahnuji, M. (2016). Investigating the dimensions of empathy among faculty members with managerial positions according to gender role (Case study, Vali-e-Asr University of Rafsanjan). *Journal of Human Resource Studies*, 6(2), 171-186 [In Persian]. [https://www.jhrs.ir/article\\_65340.html?lang=fa](https://www.jhrs.ir/article_65340.html?lang=fa)
- Kheradmand, S., Jalali, M., & Shams Esfandabad, H. (2018). Comparing cognitive empathy and emotional empathy in assertive individuals and individuals with antisocial personality styles. *Advances in Cognitive Science*, 20(3), 114-126 [In Persian]. <http://icssjournal.ir/article-1-799-fa.html>
- Koutlaki, S. (2002). Offers and expressions of thanks as face-enhancing acts: *tae'arof* in Persian. *Journal of Pragmatics*, 34(12), 1733-1756.  
[https://doi.org/10.1016/S0378-2166\(01\)00055-8](https://doi.org/10.1016/S0378-2166(01)00055-8)
- Langacker, R. W. (1994). *Culture, cognition, and grammar, in language contact and language conflict*. John Benjamin's Publishing Company.  
<https://doi.org/10.1075/z.71.02lan>
- Markus, H. R., & Hamedani, M. G. (2007). Sociocultural psychology: The dynamic interdependence among self systems and social systems. In S. Kitayama & D. Cohen (Eds.), *Handbook of cultural psychology* (pp. 3-39). Guilford Press.  
<https://www.scribd.com/document/496513945/Markus-H-R-Hamedani-M-G-Sociocultural-psychology>
- Meyer, E. (2014). *The culture map: Breaking through the invisible boundaries of global business*. Public Affairs.  
<https://www.hachettebookgroup.com/titles/erin-meyer/the-culture-map/9781610392501/?lens=publicaffairs>
- Mininni, G. (2004). *Psicologia e Media*. Laterza.  
<https://www.scirp.org/reference/referencespapers?referenceid=79894>
- Minkov, M., & Hofstede, G. (2013). *Cross-cultural analysis: The science and art of comparing the world's modern societies and their cultures*. SAGE publication. <https://methods.sagepub.com/book/cross-cultural-analysis>
- Mohammadaminzadeh, D. M., Kazemian, S., Esmaeily, M., & Asmari, Y. (2017). Prediction of perceived empathy based on emotional schemas and resilience in mothers with physically-disabled children. *Archives of Rehabilitation*, 18(2), 142-153. <http://rehabilitationj.uswr.ac.ir/article-1-2059-fa.html> [In Persian]

- Nall, R. (2019, September 27). *What you should know about apathy*.  
<https://www.healthline.com/health/apathy>
- Nobis, L., & Husain, M. (2018). Apathy in Alzheimer's disease. *Current Opinion in Behavioral Sciences*, 22, 7–13. <https://doi.org/10.1016/j.cobeha.2017.12.007>
- Pishghadam, R. (2013). Introducing cultuling as a dynamic tool in culturology of language. *Language and Translation Studies*, 45, 47-62.  
<https://profdoc.um.ac.ir/articles/a/1039447.pdf> [In Persian]
- Pishghadam, R. (2015, October). *Emotioncy in language education: From exvolvement to involvement* [Conference presentation]. The 2nd Conference of Interdisciplinary Approaches to Language Teaching, Literature, and Translation Studies. Mashhad, Iran.  
<https://profdoc.um.ac.ir/paper-abstract-1050108.html>
- Pishghadam, R. (2022). *104 conceptual concepts*. Lulu Press.
- Pishghadam, R., & Ebrahimi, S. (2020). *Cultuling: A novel approach to examine Iranian's cultural meme*. Amazon Publications Inc.
- Pishghadam, R., & Ebrahimi, S. (2024). *Cultuling: A novel approach to examine Iranian's cultural meme (second edition)*. LuLu Press.
- Pishghadam, R., & Vahidnia, F. (2016). Uses of praying in Persian and English movies in the light of Hymes' model. *Language Related Research*, 6(7), 53-72. <http://lrr.modares.ac.ir/article-14-4402-fa.html> [In Persian]
- Pishghadam, R., Al Abdwani, T., Kolahi Ahari, M., Hasanzadeh, S., & Shayesteh, S. (2022). Introducing metapathy as a movement beyond empathy: A case of socioeconomic status. *International Journal of Society, Culture, and Language*, 10(2), 35-49. <https://doi.org/10.22034/ijsc.2022.252360>.
- Pishghadam, R., Ebrahimi, S., & Derakhshan, A. (2020a). Cultuling analysis: A new methodology for discovering cultural memes. *International Journal of Society, Culture, and Language*, 8(2), 17-34.  
[https://www.ijsc.com/article\\_43256.html](https://www.ijsc.com/article_43256.html)
- Pishghadam, R., Ebrahimi, S., Naji Meidani, E. & Derakhshan, A. (2020b). An introduction to "cultuling" analysis (CLA) in light of variational pragmatics: A step toward "euculturing. *Journal of Research in Applied Linguistics (RALs)*, 11(2), 44-56. <https://doi.org/10.22055/rals.2020.15945>
- Pishghadam, R., Ebrahimi, S., Rajabi Esterabadi, A., & Parsae, A. (2023). Emotions and success in education: From apathy to transpathy. *Journal of Cognition, Emotion and Education*, 1(1), 1-16.  
<https://doi.org/10.22034/cee.2023.172495>
- Pishghadam, R., Ebrahimi, Sh., & Tabatabaean, M. S. (2019). *A novel approach to psychology of language education*. Ferdowsi University Press.  
[https://press.um.ac.ir/index.php?option=com\\_k2&view=item&id=910&tg=press&Itemid=718&lang=fa](https://press.um.ac.ir/index.php?option=com_k2&view=item&id=910&tg=press&Itemid=718&lang=fa) [In Persian]
- Soltani Azemat, E., Mohammadian, A., Kamie, M., Jebreili, M., & Doolatshahi, B. (2016). A comparison of theory of mind and empathy in male and female students at university of welfare and rehabilitation sciences in Tehran. *The Neuroscience Journal of Shafaye Khatam*, 4(2), 19-26.  
<http://shafayekhatam.ir/article-1-936-fa.html> [In Persian]
- Torkaman Malayeri, M., & Sheikholeslami, R. (2019). Empathy and pro-social behavior: The mediating role of moral emotions. *Developmental Psychology: Iranian Psychologists*, 15(59), 261-271.  
<http://ensani.ir/file/download/article/1581768054-10219-59-4.pdf>[In Persian]

Turiel, E., & Eisenberg, N. (1998). *Handbook of child psychology*. Wiley.

Yarigoli, B., & Bahadorikhosroshahi, J. (2018). Comparative study of the concept of empathy from the perspective of psychology and Islamic foundations. *Islamic Life Style*, 2(3), 155-163.

[https://www.islamiilife.com/article\\_188143\\_5aab2c2813cb5c546f6ad1a8daefadaa.pdf](https://www.islamiilife.com/article_188143_5aab2c2813cb5c546f6ad1a8daefadaa.pdf) [In Persian]

Zaki, J., & Ochsner, K. N. (2012). The neuroscience of empathy: Progress, pitfalls and promise. *Nature Neuroscience*. 15(5), 675-80.

<https://doi.org/10.1038/nn.3085>



© 2020 Alzahra University, Tehran, Iran. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC-ND 4.0 license) (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>).